



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

بعد سیاسی و احیای
عاشورا
از منظر فقه

محمد رحمانی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بعد سیاسی و احیای عاشورا از منظر فقه

نویسنده:

محمد رحمانی

ناشر چاپی:

حکومت اسلامی

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۸	بعد سیاسی و احیای عاشورا از منظر فقه
۸	مشخصات کتاب
۸	مقدمه
۹	قاعده تسامح در ادله سنن
۹	اشاره
۹	بحث سندی
۱۰	مدلول روایات
۱۰	مقام ثبوت
۱۱	مقام اثبات
۱۲	تحقیق در مطلب
۱۲	احکام فقهی تربت سیدالشهداء
۱۲	اشاره
۱۳	حرمت اهانت
۱۳	برداشتن کام نوزادان
۱۳	سجده بر تربت
۱۴	تهیه تسبیح
۱۴	استشفاء
۱۴	مخلوط کردن با حنوط
۱۵	نوشتن آیات و شهادت (توحید، نبوت و امامت) بر کفن
۱۵	همراهی با مرده در قبر
۱۵	استحباب خوردن تربت سیدالشهداء به قصد تبرک، در عصر عاشورا
۱۶	افطار در عید فطر با تربت

۱۶	همراهی تربت برای امان
۱۶	همراهی با ائمه
۱۷	بوییدن و بوسیدن تربت سیدالشهداء
۱۷	غسل کردن برای برداشتن تربت
۱۷	استحباب تبرک به کربلا
۱۸	بطلان فروش تربت به کافر
۱۸	تخیر میان قصر و اتمام در حائر حسینی
۱۸	مباحث دیگر
۱۹	احکام عزاداری سیدالشهداء
۱۹	اشاره
۱۹	تسلیت گویی
۲۰	سلام کردن بر حسین در هر روز
۲۰	استحباب سرودن شعر و نوحه سرایی
۲۰	آرزوی بودن با امام حسین
۲۱	گریه بر سیدالشهداء
۲۲	تباکی
۲۲	مصادیق عزاداری
۲۲	تحریف در مراسم عاشورا
۲۳	احکام فقهی زیارت
۲۳	اشاره
۲۳	وجوب و یا استحباب مؤکد زیارت
۲۴	استحباب زیارت امام حسین در حال خوف
۲۵	استحباب غسل زیارت
۲۵	احکام دیگر زیارت سیدالشهداء

- آداب زیارت ۲۶
- اقسام زیارت سیدالشهداء ۲۶
- آب ۲۶
- اشاره ۲۶
- استحباب یاد حسین به هنگام نوشیدن آب ۲۶
- برداشتن کام نوزاد با آب فرات ۲۷
- غسل با آب فرات ۲۷
- استحباب لعن قاتلان امام حسین پس از نوشیدن آب ۲۷
- نوشیدن از آب فرات ۲۸
- پاورقی ۲۸
- درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان ۳۲

بعد سیاسی و احیای عاشورا از منظر فقه

مشخصات کتاب

شماره کتابشناسی ملی: ایران ۸۱-۴۹۸۶۵

سرشناسه: رحمانی محمد

عنوان و نام پدیدآور: بعد سیاسی و احیای عاشورا از منظر فقه رحمانی محمد

منشأ مقاله: ، حکومت اسلامی ش ۲۷، (بهار ۱۳۸۲): ص ۱۹۵ - ۲۳۴.

توصیفگر: قیام عاشورا

توصیفگر: فقه

توصیفگر: تشیع

توصیفگر: فقه سیاسی

توصیفگر: احادیث

توصیفگر: پاداش الهی

توصیفگر: احادیث ضعیف

مقدمه

قیام عاشورا اگر چه به عنوان یک حادثه در زمان و مکان خاصی به وقوع پیوسته و با شهادت عزیزترین کسان اسلام به پایان رسیده است اما در اندک زمانی با تدبیر سیاسی رهبر نهضت و پیام رسانان آگاه و بصیر آن به فرهنگی غنی، پررونق و ماندگار تبدیل شد که آثار و برکات آن پس از قرن‌ها همچنان در حال گسترش است. قطعاً یکی از راههایی که باعث بقاء پرثمر این نهضت شده است ورود مباحث مربوط به آن در احکام اسلامی و زندگی روزمره مردم می باشد. نویسنده در این مقاله به منظور نشان دادن ابعاد مسائل فقهی عاشورا و نقش آن در تداوم و احیای نهضت، احکام فقهی مربوط به تربت امام حسین (ع)، عزاداری، زیارت، آب و زیر مجموعه آن‌ها را در فقه بررسی کرده و تفصیل تأکید فقه شیعه بر زنده ماندن قیام عاشورا و گسترش فرهنگ و پیام آن را نشان داده است. در این مقاله اگر چه مستقیماً به ابعاد سیاسی این امور پرداخته نشده است اما اصل تبیین اتمام ائمه معصومین (ع) به حوادث و جریانات این نهضت با این دقت و گستردگی و پیوند زدن آن با زندگی دینی مردم به طوری که امام حسین (ع) و عاشورا از تولد تا مرگ یک انسان حضور داشته باشد گویای عمق درایت سیاسی و ابتکار بی بدیل تبلیغاتی آن بزرگواران در زنده نگه داشتن این قیام می باشد. قیام عاشورا از مقولاتی است که در طول تاریخ، نه تنها برای شیعیان، که برای مسلمانان و بلکه برای همه انسان‌های آزادی خواه جهان، همانند گاندی [۱] الگو و الهام بخش بوده است. این حماسه بزرگ از آغاز تا به کنون، آثار و برکات بی شماری داشته است تا آن جا که گفته شده است که علت حدوث دین اسلام، حضرت محمد (ص) و علت بقا و استمرار آن، امام حسین (ع) و یارانش بوده اند. [۲] در عصر حاضر، انقلاب شکوهمند مردم ایران، به رهبری فرزندان خلف و صالح امام حسین (ع) یعنی امام خمینی رحمه الله علیه را می توان یکی از هزارها ثمره حرکت عاشورای حسینی به شمار آورد. و از سوی دیگر، هم زمان با نهضت حسینی، فرهنگی غنی و پرشور پدید آمده است که در عمق جان و روان و باورهای عاشقان آن حضرت جریان دارد، تا آن جا که زندگی، با تبرک جستن به آب فراتش آغاز و با همراهی تربت پاکش پایان می پذیرد. پر واضح است که هر چه درباره محتوا، اهداف، انگیزه‌ها، پیام‌ها، عبرت‌ها و عوامل زمینه ساز چنین حرکتی، کندوکاو و نوشته شود، باز ابعادی از آن، هم

چنان مبهم و ناشناخته خواهد ماند. از موضوعاتی که کم تر بدان پرداخته شده است، تعامل میان قیام عاشورا و روند تکامل فقه است. به بیان دیگر، تأثیر قیام عاشورا در تکامل فقه، از سوی ائمه معصومین (ع) و فقها، و نقش فقه در حفظ، استمرار و احیای نهضت عاشورا مورد غفلت قرار گرفته است. این مطلب، آن گاه اهمیت بیش تر می یابد که اولاً- توجه شود که شیعیان روحیه تکلیف مداری را از آن حضرت آموخته و تسلیم محض احکام شرعی (هر چند غیر الزامی) هستند. ثانیاً انگیزه و جهت، در وضع احکام مربوط به عاشورا (اگر چه با عنوان مستحب) بیش تر سیاسی بوده است تا عبادی. از این رو، عمل به هر یک از این احکام، افزون بر پاداش و ثواب اخروی، بُعد سیاسی نیز داشته است تا بدین وسیله، مردم به حفظ و احیای مراسم عاشورا بیش تر ترغیب شوند. این نوشته، نگاهی اجمالی دارد به بعد سیاسی و احیای نهضت حسینی از منظر فقه. پیش از آغاز بحث، یادآوری نکاتی ضروری است: ۱. برای رعایت اختصار، از نقل روایات زیاد خودداری شده و برای تبیین اهمیت و فراوانی روایات وارده، به بیان عنوان ابواب، همراه با نقل یکی دو روایت، بسنده شده است. ۲. با توجه به این که روایات نقل شده، در بسیاری موارد، اگر نگوئیم در حد تواتر معنوی، دست کم مستفیض است و از سوی دیگر، با توجه به قاعده تسامح در ادله سنن، دیگر نیازی به بحث سندی روایات احساس نمی شود. ۳. در این نوشته، تنها احکام فقهی، بررسی شده است که اولاً- ویژه حادثه عاشورا است و ثانیاً بیان گر عمل و وظیفه ای برای مکلف است. از این رو، مباحثی مانند استحباب وقف، نذر و سیاه پوشی برای امام حسین (ع) مطرح نشده است؛ زیرا این امور، درباره معصومان دیگر نیز مطرح است. همچنین مباحثی مانند تقیه، القای در تهلکه و واجب نبودن امر به معروف و نهی از منکر، با عدم احتمال تأثیر احکام فقهی، در نبرد عاشورا نیز مطرح نشده است؛ زیرا پیامی عملی درباره حرکت عاشورا، برای مکلف در بر ندارد. ۴. همه مطالب، جز مقدمه، ذیل چهار عنوان کلی تربت، عزاداری، زیارت و آب، با بیش از ۳۳ زیر مجموعه، به اختصار تهیه و تنظیم شده است. ۵. از آن جا که بیش تر احکام موضوع این نوشته، از مستحبات است و روش بیش تر فقها در احکام غیر الزامی، بر اساس تسامح در ادله سنن است، ناچار به عنوان مقدمه و زیربنای بحث، این قاعده به اجمال مورد بررسی قرار می گیرد تا مبنای فقهی مباحث روشن شود. تأکید می شود که بعضی از احکام استحبابی، در این نوشته، بر اساس قاعده تسامح در ادله سنن است.

قاعده تسامح در ادله سنن

اشاره

روایات بسیاری دلالت دارد بر این که اگر از رسول خدا (ص) و یا ائمه علیهم السلام برای انجام دادن عملی، وعده و یا خبری از ثواب و پاداش برسد، خداوند این ثواب و پاداش را به کسی که آن عمل را به امید آن ثواب و پاداش انجام داده، خواهد داد، هر چند این وعده و خبر، از معصوم صادر نشده باشد؛ از جمله، صحیححه هشام بن سالم: «عن ابی عبدالله (ع) قال: من بلغه عن النبی صلی الله علیه و آله شیءٌ من الثواب، فعمله، کان اجر ذلک له و ان کان رسول الله (ص) لم یقله». [۳]. یعنی امام صادق (ع) فرمود: هر کس بر اساس وعده ثوابی که از رسول خدا رسیده است، عملی را انجام دهد، این ثواب به او داده می شود، هر چند رسول خدا آن وعده را نداده باشد. در این باره، احادیث دیگری، با عبارات و مضامین متفاوت رسیده است. صاحب وسائل الشیعه، بابی را با عنوان «استحباب الاتیان بکل عمل مشروع روی له ثواب منهم علیهم السلام» گشوده است و در آن، نه حدیث نقل کرده است. [۴].

بحث سندی

در میان این روایات، گرچه روایاتی که از نظر سند اعتبار ندارد، وجود دارد، اما بی گمان، اشکال سندی بر آن ها وارد نیست؛

زیرا: اولاً، برخی از روایات، از نظر سند صحیحه اند؛ از جمله، روایت هشام بن سالم. ثانیاً، برخی از بزرگان، این دسته از روایات را مستفیض، بلکه متواتر معنوی می دانند. شیخ انصاری در مقام استدلال بر قاعده تسامح در ادله سنن می نویسد: «الثالث الاخبار المستفیضه التي لا یبعد دعوی تواترها معنی»؛ [۵] یعنی دلیل سوم (بر قاعده تسامح در ادله سنن) روایات مستفیضه ای است که ادعای تواتر معنوی آن ها دور نیست. ثالثاً، مشهور فقها به این روایات عمل کرده و آن ها را تلقی به قبول کرده اند. شیخ انصاری در مقام پاسخ به اشکال سندی می نویسد: «و هذه الاخبار مع صحه بعضها غتیة عن ملاحظه سندها لتعاضدها و تلقیها بالقبول بین الفحول»؛ [۶] یعنی این دسته از روایات، صرف نظر از صحیح بودن برخی، از رسیدگی سند بی نیازند؛ زیرا فقهای بزرگ، آن ها را تلقی به صحت کرده اند.

مدلول روایات

پس از بحث سندی و اعتبار سند روایات، نوبت به بررسی دلالت آن ها می رسد، شایسته است برای روشن تر شدن این بخش، در دو مقام بحث ادامه پیدا کند.

مقام ثبوت

آن چه در مقام ثبوت، امکان دارد از روایات استفاده شود، عبارت است از: الف. این دسته از احادیث، در مقام اخبار از ترتب ثواب بر عملی است که از سوی رسول خدا و ائمه معصومین علیهم السلام وعده آن داده شده است، اعم از این که انجام دهنده، قصد دست یابی به پاداشی را داشته باشد و یا نداشته باشد. روایات در مقام اخبار از ترتب پاداش بر عملی است که بر انجام آن، وعده ثواب داده شده است، به شرط این که انجام دهنده، قصد رسیدن به آن ثواب را داشته باشد. فرق احتمال دوم با احتمال اول، در این است که در فرض اول، عمل رسیدن به ثواب مطلق است؛ ولی در فرض دوم، رسیدن به ثواب، مشروط است به این که عمل به قصد ثواب انجام داده شود. اما وجه اشتراک این دو احتمال، عبارت است از ارشادی بودن روایات ترتب ثواب. در واقع، این بحث، بیش تر رنگ کلامی دارد تا فقهی یا اصولی. ج. مدلول روایات، حجیت خبر ضعیف، درباره مستحبات است. بر اساس این احتمال، روایت در مقام تبیین یک قاعده اصولی است، یعنی نفی شرط عدالت، وثاقت، اسلام و همانند آن. بر اساس این احتمال، فقیه می تواند به استحباب فتوا دهد، هر چند شرایط اعتبار و حجیت را، که در اصول از آن بحث شده، نداشته باشد. در این باره که این قاعده (تسامح در ادله سنن) درباره مکروهات نیز جاری است یا نه، میان فقها اختلاف نظم وجود دارد؛ اما بیش تر فقیهانی که این احتمال را در مقام اثبات پذیرفته اند، اعتقاد بر تعمیم دارند. توضیح بیش تر، در پی خواهد آمد. د. استفاد از احادیث، استحباب ذات عملی است که بر آن، وعده ثواب داده شده است. تفاوت احتمال سوم و چهارم در این است که در احتمال سوم، مدلول مطابقی احادیث، حجیت خبر ضعیف است، ولی در احتمال چهارم، مدلول التزامی آن، حجیت خبر ضعیف است. ه. 'مدلول روایات، عبارت است از استحباب عملی که بر آن، وعده ثواب داده شده است، با قید بلوغ ثواب. تفاوت این احتمال با احتمال چهارم، در اطلاق و تقیید است؛ یعنی عنوان عمل در این فرض، مقید به قید بلوغ ثواب است، در حالی که در فرض پیش، مطلق و بی قید است. در نتیجه، اگر کسی همان عمل را پیش از آگاهی بر ثواب انجام دهد، بر اساس احتمال چهارم پاداش دارد؛ ولی بر اساس احتمال پنجم، پاداش نخواهد داشت. وجه اشتراک این دو احتمال، عبارت است از فقهی بودن این دو احتمال. به بیان دیگر، خبر ضعیف، موضوع استحباب است. و) احتمال دیگری که درباره این روایات داده می شود، این است که انقیاد و انجام عمل (نه خود عمل، چه به گونه مطلق و چه به گونه مقید) به قصد دست یابی به پاداش، مستحب باشد. البته این احتمال، مبتنی است بر این که تعلق امر مولوی، بر این امر ممکن باشد و در غیر این صورت، باید بگوییم که امر در روایات «من بلغ» ارشاد به حسن عقلی انجام این عمل

است. آنچه بیان شد، مهم ترین احتمالاتی است که درباره روایات «من بلغ» داده می شود. مهم بررسی این احتمالات در مقام اثبات و اقامه دلیل است.

مقام اثبات

پس از بررسی احتمالات ممکن از نظر عقل، نوبت به مقام اثبات و اقامه دلیل، بر صحت و حجیت هر یک می رسد. نظر فقها در این باره، یک سان نیست. پیش از بررسی نظریات فقها یادآوری این نکته شایسته است که بنا بر صحت احتمال اول و دوم، روایات هیچ گونه دلالتی بر استحباب ندارند و برای موضوع این نوشته، بی ارزشند؛ اما بر فرض صحت چهار احتمال دیگر، این دسته از روایات، با موضوع این نوشته ارتباط تنگاتنگی پیدا می کنند و در موارد فراوانی سودمند خواهند بود. همان گونه که بیان شد، هر چند آرای فقیهان در مقام اثبات، گوناگون است، اما مشهور فقها احتمال سوم (حجیت خبر ضعیف در مورد استحباب) را پذیرفته اند و بر اساس آن، عمل کرده اند. شیخ انصاری در این باره می نویسد: «المشهور بین اصحابنا و العامة التسامح فی ادلة السنن بمعنی عدم اعتبار ما ذکروه من الشروط للعمل باخبار الآحاد من الاسلام و العدالة و الضبط فی الروایات الدالة علی السنن فعلاً او ترکاً»؛ [۷] یعنی مشهور میان فقهای شیعه و عامه، تسامح در ادله مستحباب است. به این معنا که شرایط مذکور در حجیت خبر واحد، همانند اسلام، عدالت، ضبط در روایاتی که بر سنن، چه بر انجام دادن (مستحبات) و چه بر ترک کردن (مکروهات) دلالت دارد، شرط نیست. شهید اول در مبحث احکام میت در امر هجدهم، که در باره تلقین میت، پس از دفن است پس از نقل روایات و نظریات موافق و مخالف می نویسد: «و الحدیث الوارد فیه ضعیف ولکن احادیث الفضائل یتسامح فیها عند اهل العلم»؛ [۸] یعنی حدیثی که درباره تلقین وارد شده، ضعیف است؛ اما اهل علم (فقها) در احادیثی که درباره فضایل (مستحبات) وارد شده است، تسامح می کنند. شهید ثانی در کتاب الرعیة فی علم الدراية، در مبحث عمل به خبر ضعیف، پس از نقل اقوال فقها درباره قصص، مواعظ و فضایل اعمال، عمل به خبر ضعیف را جایز و درباره صفات خدا (اعتقادات) و حلال و حرام (فتوا به حرمت و یا وجوب) جایز نمی داند. وی می نویسد: «لما اشتهر بین العلماء المحققین من التساهل بادلة السنن»؛ [۹] یعنی دلیل بر جواز عمل به خبر ضعیف (درباره مستحبات) عبارت است از شهرت میان علمای محقق، در تساهل در ادله سنن. شیخ بهایی نیز از جمله فقهای است که احتمال سوم (حجیت خبر ضعیف درباره مستحبات) را به مشهور نسبت داده است. ایشان در این باره می نویسد: «و قد شاع العمل بالضعاف فی السنن و ان اشد ضعفها و لم ینجبر... و قد بسطنا فیها الکلام فی شرح الحدیث الحادی و الثلاثین من کتاب الاربعین»؛ [۱۰] یعنی عمل به اخبار ضعیف درباره مستحبات، میان فقها شایع است، هر چند جبران ضعف سند نشده باشد. تفصیل این مطلب، در شرح حدیث سی و یکم کتاب اربعین آمده است. شیخ انصاری پس از نقد و بررسی اقوال و آرای مختلف، مدلول روایات را قاعده اصولی، با نام «تسامح در ادله سنن، که دلالت بر حجیت خبر ضعیف دارد» می داند و شش اشکال بر این مبنای مشهور فقها را بررسی می کند و به همه آن ها پاسخ می دهد. ایشان در این باره می نویسد: «اذا عرفت ما ذکرنا ظهر لک ان قاعدة التسامح مسألة اصولیه...»؛ [۱۱] یعنی اگر آن چه گفته شد، بشناسی، ظاهر می شود که قاعده تسامح، مسأله اصولی است. آخوند خراسانی نیز پس از مناقشه در صحت استدلال به اخبار «من بلغ»، بر تعلق امر مولوی به احتیاط، احتمال چهارم (استحباب عمل) را تقویت کرده و می فرماید: «ثم لا یبعد دلالة بعض تلك الاخبار علی استحباب ما بلغ علیه الثواب»؛ [۱۲] یعنی دور نیست دلالت برخی از این روایات، بر استحباب عملی که وعده پاداش بر آن داده شده است. محقق نائینی نیز پس از نقد و بررسی احتمالات اخبار «من بلغ» و بیان این که احتمال سوم (حجیت خبر ضعیف) و احتمال چهارم (استحباب عملی که بر انجامش وعده پاداش داده شده است) در اصل این که آن عمل، مستحب خواهد بود، شریک بکند، قول مشهور را تقویت کرده و می نویسد: «و لا یبعد ان یکون الوجه الثانی اقرب کما علیه المشهور حیث ان بنائهم فی الفقه علی التسامح فی ادلة السنن و قد عرفت ان ظاهر العنوان لا ینطبق الا علی القول بالقاء شرائط الحجية

فی الخبر القائم علی استحباب»؛ [۱۳] یعنی دور نیست که وجه دوم (حجیت خبر ضعیف) به واقع نزدیکتر باشد؛ همان گونه که مشهور پذیرفته اند؛ زیرا روش آنان در فقه، تسامح در ادله مستحبات است و دانستی که ظاهر عنوان (روایات) منطبق نخواهد بود جز بر القای شرایط حجیت، در خبری که بر مستحبات دلالت دارد. محقق اصفهانی ضمن اشکال بر مبنای کسانی که روایات را ارشاد به تفضل الهی و دادن ثواب بر انقیاد دانسته اند، احتمال چهارم (استحباب و محبوبیت عملی که بر انجامش وعده ثواب داده شده است) را تقویت می کند و می نویسد: «اما الوعد بالثواب الخاص فلیس من الشارع بما هو عاقل و الا لحکم به سائر العقلاء بل بما هو شارع ترغیباً فی فعل تعلق به غرض مولوی فیکشف عن محبوبیه مولویه و مطلوبیه شرعیه»؛ [۱۴] یعنی اما وعده پاداش ویژه از سوی شارع، به عنوان این که شارع، عاقلی از عقلای عالم است، نیست، در غیر این صورت، همه عقلا باید چنین پاداشی را لازم بدانند، بلکه پاداش ویژه از سوی شارع، از باب ترغیب و تشویق به انجام دادن عملی است که غرض مولوی به آن تعلق گرفته است. بنابراین، از محبوبیت آن (امر)، مولوی بودن و مطلوب بودن پیش شارع کشف می شود. آن چه ملاحظه شد، نظریات برخی از فقها بود که با تعابیر و بیانات مختلف، از روایات استفاده استحباب کرده اند.

تحقیق در مطلب

تحقیق در مطلب، از حوصله این نوشته خارج است. آنچه در این مختصر ممکن است به عنوان استدلال بر مطلب بیان شود، این است که اگر دلیلی دلالت کند بر این که فلان عمل، ثواب دارد، از دو صورت خارج نیست: یا آن عمل، در حد خود، اقتضای ترتب ثواب را دارد؛ مانند این که دلیل می گوید: «من سرح لحيته فله كذا» (هر کس ریشش را رها کند، برای او ثواب است) و یا این که عمل، در حد خود، مقتضی ثواب نیست. اگر از دسته اول باشد، ترتب ثواب، کاشف از تعلق امر است و استحباب عمل ثابت می شود و اگر از دسته دوم باشد، ترتب ثواب، کاشف از تعلق امر نیست و در نتیجه، استحباب نیز ثابت نمی شود. بنابراین، کسانی که از روایات، استفاده استحباب کرده اند، بر این باورند که ثواب بر ذات عمل است. بنابراین، کاشف از تعلق امر است؛ زیرا ذات عمل، در حد خود، مقتضی ثواب نیست و کسانی که استحباب را استفاده نمی کنند، می گویند: ثواب بر عمل، مقید به احتمال امر و ثواب در این صورت، کاشف از امر نیست. و مهم ترین دلیل اینان عبارت است از حرف «فاء» در «فَعَمَلَهُ» که در روایت آمده است. توضیح این که آنان می گویند: این فاء ظهور در تفریع دارد بنابراین، عمل، فرع بر ترتب ثواب و احتمال امر است بنابراین کاشف از امر نیست تا استحباب ثابت شود. ولی ممکن است گفته شود که هر چند فاء ظهور در تفریع دارد، اما تفریع در این جا عبارت است از ترتیب عمل پس از عمل دیگر، نه تفریع به معنای علت و معلولی. بنابراین، منافاتی میان ظهور فاء و تفریع و ترتب ثواب بر ذات عمل نیست. هم چنین ممکن است گفته شود فاء در «فَعَمَلَهُ» عاطفه است. بنابراین، ترتب ثواب بر ذات عمل خواهد بود که مقتضی ثواب نیست و در نتیجه، کاشف از تعلق امر خواهد بود؛ همان گونه که شیخ انصاری بر این باور است. [۱۵]. بنابراین، همان گونه که عرف از ترتب عقاب بر عملی، که در حد خود، مقتضی عقاب نیست، مانند عمل ذاتاً مَبغوض کشف می کند که نهی به آن تعلق گرفته است، هم چنین در موردی که عمل، در حد خود، مقتضی ثواب نیست، اگر ثوابی به آن تعلق بگیرد، کاشف از امر است. این مطلب، در امور دیگر نیز جاری است که با بیان لازم ملزوم نیز بیان می شود. به بیان دیگر، در این موارد، از طریق دلالت اقتضا می توان امر را کشف کرد، البته ممکن است بر این استدلال، اشکالاتی وارد شود که در جای خود باید بدان پرداخته شود.

احکام فقهی تربت سیدالشهداء

مدفن شهید، با ارزش و خاک شهید، الهام بخش آزادگی، رادمردی، ایثار و از خود گذشتگی است. تربت شهید، به ویژه تربت سیدالشهدا (ع) آثار و برکات بی شماری دارد و در آن، رازها، ناگفتنی‌ها و پیام‌های گوناگونی نهفته است. تربت سیدالشهدا (ع) در میان همه خاک‌ها از این امتیاز برخوردار است که با خون خدا (ثار الله) آمیخته و عجین شده است. از این رو، جای تعجب نخواهد بود که خداوند به آن، ارزش و عظمتی دهد که شفای درد درمندان، مسجد عاشقان و عارفان، سبب امان جان و مال مسافران، مایه آرامش و غفران مردگان و برکت زندگی نوزادان باشد. به بیان دیگر، تربت سیدالشهدا (ع) تا آن جا احترام دارد که در آغاز زندگی، کام نوزاد با آن متبرک می‌شود و در پایان زندگی، مراسم کفن و دفن انسان با آن معنویت می‌یابد. تربت سیدالشهدا (ع) از نگاه فقهی، موضوع احکام مختلفی است که روح، پیام و فلسفه هر یک، حفظ تداوم و احیای نهضت و قیام عاشورا است. در این بخش، با این نگاه، برخی از این احکام را بررسی می‌کنیم.

حرمت اهانت

یکی از احکام تربت سیدالشهدا (ع) حرمت توهین به آن است. در جامع احادیث شیعه، مؤلف عنوان بابی را «حرمة التوهین بترتیه قبر الحسین و ما ورد فی عقوبه من وهنھا» [۱۶] قرار داده و در آن، حدیثی طولانی را نقل کرده است مبنی بر این که شخصی به علت بی احترامی و اهانت به تربت سیدالشهدا (ع) گرفتار عذاب و آتش الهی شده است. [۱۷]. فقها نیز فتوا داده اند که بی احترامی به تربت سیدالشهدا (ع) حرام است. صاحب عروه در این باره می‌فرماید: «واجب است پاک کردن نجاست از تربت امام حسین... و حرام است نجس کردن آن و فرقی نیست میان این که تربت از قبر شریف برداشته شود و یا از خارج قبر». [۱۸]. فقهای که بر عروه حاشیه زده اند این مسأله را تلقی به قبول کرده و بر آن، حاشیه زده اند.

برداشتن کام نوزادان

در روایات فراوانی ائمه (ع) دستور داده اند که در آغاز زندگی نوزاد، کام او با تربت سیدالشهدا (ع) برداشته و متبرک شود؛ از جمله: «عن الحسین بن ابی العلاء قال: سمعت ابا عبد الله (ع) يقول: حنکوا اولادکم بترتیه الحسین (ع) فانها امان. [۱۹]. یعنی حسین، پسر ابی علاء می‌گوید: شنیدم امام صادق (ع) می‌فرمود: کام فرزندان را با تربت سیدالشهدا بردارید. پس همانا امان در آن است. روایات در این باره فراوان است. شیخ حر عاملی بابی را با نام «استحباب الاستشفاء بترتیه الحسین (ع) و التبرک بها و تقبیلها و تحنیک الاولاد...» گشوده و در آن، چهارده روایت نقل کرده است. [۲۰]. فقها نیز بر اساس این روایات، بر استحباب برداشتن کام نوزادان با تربت سیدالشهدا (ع) فتوا داده اند. محقق حلی در مقام شمارش مستحبات مربوط به اولاد می‌نویسد: «و تحنیکه بماء الفرات و ترته الحسین»؛ [۲۱] یعنی مستحب است کام نوزاد، با آب فرات و تربت سیدالشهدا (ع) برداشته شود. شیخ انصاری نیز یکی از مستحبات را تحنیک شمرده و می‌نویسد: «مستحب است شستن نوزاد، گفتن اذان در گوش راست و اقامه در گوش چپ و برداشتن کام او با آب فرات و تربت سیدالشهدا (ع)». [۲۲].

سجده بر تربت

مستحب است سجده نماز، بر تربت سیدالشهدا (ع) باشد. روایات بسیاری بر این مطلب دلالت دارد و بسیاری از محدثان، باب‌هایی را به این عنوان اختصاص داده اند؛ از جمله، شیخ حر عاملی بابی را با نام «استحباب السجود علی ترته الحسین...» گشوده و چهار حدیث در آن آورده است؛ از جمله، مرسله صدوق: «محمد بن علی بن الحسین قال: قال الصادق (ع) السجود علی طین قبر الحسین

ینور الی الارضین السبعه»؛ [۲۳]. یعنی شیخ صدوق می گوید: امام صادق (ع) فرموده است: سجده بر تربت حسین، تا زمین هفتم را نورانی می کند. فقها بر اساس همین روایات، بلکه طبق مضمون آن ها فتوا داده اند؛ از جمله، محقق یزدی می نویسد: «سجده بر زمین افضل است از سجده بر نباتات و کاغذ. و دور نیست که سجده بر زمین، افضل باشد از سجده بر سنگ. و افضل بر همه آن چه سجده صحیح است، سجده بر تربت امام حسین (ع) است. پس سجده بر آن، حجاب های هفت گانه را می درد و تا زمین هفتم را نورانی می کند». [۲۴]. فقهای که بر عروه حاشیه زده اند، بر این مسأله، حاشیه ای ندارند و آن را تلقی به قبول کرده اند.

تهیه تسبیح

مستحب است از تربت سیدالشهدا (ع) تسبیح تهیه شود. در کتاب جامع احادیث الشیعه بابی را بانام «استحباب اتخاذ السبحة خصوصاً من تربة الحسين و التسبیح بها و ادارتها» [۲۵] گشوده و بیش از شش روایت در این باره نقل کرده است؛ از جمله: «محمد بن علی بن الحسین قال: قال الصادق... و من كانت معه سبحة من طین قبر الحسین (ع) کتب مسبحاً و ان لم یسبح بها»؛ [۲۶]. یعنی شیخ صدوق می گوید: امام صادق (ع) فرموده است: هر کس تسبیحی از تربت قبر امام حسین (ع) با او باشد، جزو تسبیح گویان نوشته می شود، هر چند با آن، تسبیح نگوید. صاحب جواهر پس از تبیین کیفیت تسبیح می نویسد: «مستحب است تسبیح موصوف، بلکه هر تسبیحی از خاک قبر امام حسین باشد». [۲۷].

استشفا

روایات بسیاری درباره شفا بخش بودن تربت سیدالشهدا (ع) وارد شده است. بسیاری از محدثان عالی مقام، ابواب و روایات گوناگونی را در باره استشفا به تربت و آداب آن گزارش کرده اند از باب نمونه: در کتاب جامع احادیث الشیعه بابی با عنوان «باب الاستشفاء بتربة الحسين (ع) و التبرک بها و تقیلها و جواز اکلها للاستشفاء» [۲۸] گشود. و در آن، بیش از ۲۶ روایت را در این باره نقل کرده است؛ از جمله: «عن محمد بن سلیمان البصری، عن ابیه، عن ابی عبدالله (ع) قال: فی طین قبر الحسین (ع) الشفاء من کل داء و هو الدواء الاکبر»؛ [۲۹]. یعنی محمد، پسر سلیمان بصری از پدرش نقل می کند امام صادق (ع) فرموده است: در تربت قبر حسین (ع) شفای هر دردی نهفته و بزرگ ترین دارو همان است. روایات درباره شفا بخش بودن تربت امام حسین (ع) فراوان است. افزون بر روایات، فقها نیز تصریح کرده اند که خوردن خاک، هر چند اندک حرام است، مگر تربت سیدالشهدا (ع). محقق حلی در کتاب شرایع می نویسد: «خوردن حتی اندکی از خاک حلال نیست، مگر تربت سیدالشهدا. پس همانا خوردن آن به قصد استشفا جایز است». [۳۰]. صاحب جواهر پس از نقل کلام محقق حلی می فرماید: «بی اختلاف، بلکه اجماع به هر دو قسم (منقول و محصل) بر آن قائم است، بلکه روایات در این باره، مستفیض و یا متواتر است». [۳۱]. حضرت امام خمینی (ره) نیز در تحریر الوسیله می نویسد: «خاک قبر سیدالشهدا از دیگر خاک ها (از حرمت خوردن) استثنا شده است». [۳۲].

مخلوط کردن با حنوط

از جمله آداب و احکام مراسم به خاک سپاری میت، این است که مقداری از تربت سیدالشهدا (ع) با حنوط مخلوط شود و سپس در مواضعی که قرار است مالیده شود، مانند مواضع سجده، مورد استفاده قرار گیرد. شیخ حر عاملی بابی را تحت عنوان «استحباب وضع التربة الحسينیه مع المیت فی الحنوط...» گشوده و در آن روایاتی را نقل کرده؛ است از جمله: «محمد بن عبدالله بن جعفر الحمیری قال: کتبت الی الفقیه (ع) اساله عن طین القبر یوضع مع المیت فی قبره هل یجوز ذلک ام لافاجاب (و قرأت التوقیع و منه نسخت): توضع مع المیت فی قبره و یخلط بحنوط، ان شاء الله»؛ یعنی جعفر حمیری می گوید: طی نامه ای از فقیه (امام زمان) (ع)

پرسیدم: خاک قبر (امام حسین) را همراه مرده در قبر می گذارند، آیا جایز است؟ آن حضرت پاسخ داد (و من خودم پاسخ را با مهر شریف خواندم و از آن نسخه برداری کردم): با میت در قبر بگذارند و آن را با حنوط مخلوط کنند، ان شاء الله. فقها نیز از جمله مستحبات مراسم به خاک سپاری میت را مخلوط کردن اندکی از تربت سیدالشهدا (ع) با کافور بیان کرده اند صاحب عروه می نویسد: «مستحب است مخلوط کردن مقداری از تربت قبر امام حسین (ع) با کافور ولیکن نباید با آن، جاهایی از بدن میت، که با رعایت احترام تربت منافات دارد، مسح شود». [۳۳]. در این مسأله، فقیهانی که بر عروه حاشیه دارند، جز آیه الله مرعشی، که حاشیه توضیحی دارد، کسی حاشیه ای به عنوان رد نزده است.

نوشتن آیات و شهادت (توحید، نبوت و امامت) بر کفن

بسیاری از فقها تصریح کرده اند که مستحب است بر کفن میت، شهادت بر توحید، نبوت و امامت و همانند آن نوشته شود و نیز تصریح کرده اند که این کتابت، با تربت سیدالشهدا (ع) باشد شیخ حر عاملی بابی را با نام «استحباب کتابه اسم المیت علی الکفن و انه یشهدان لا اله الا الله و یکون ذلک بطن قبر الحسین (ع)» گشوده است و از جمله روایاتی که در آن نقل کرده است، این روایت است: «محمد بن عبدالله بن جعفر الحمیری عن صاحب الزمان (ع) انه كتب اليه: قد روی لنا عن الصادق (ع) انه كتب علی ازار اسماعیل، ابنه: اسماعیل یشهد ان لا اله الا الله. فهل يجوز لنا ان نكتب مثل ذلک بطن القبر ام غیره؟ فاجاب: يجوز ذلک و الحمد لله!» یعنی عبدالله، پسر حمیری، از امام زمان (ع) می پرسد: روایت شده است که امام صادق (ع) بر کفن (لنگ) فرزندش نوشت: اسماعیل شهادت می دهد که لا اله الا الله. آیا جایز است ما نیز این گونه با خاک قبر (امام حسین) یاغیر قبر بنویسیم؟ آن حضرت پاسخ داد: جایز است. فقها نیز فتوا داده اند که مستحب است نام ائمه، آیات و دعای جوشن، با تربت سیدالشهدا (ع) بر کفن مرده نوشته شود از جمله، صاحب جواهر در مقام توضیح کلام محقق حلی، مبنی بر استحباب نوشتن آیات و ادعیه با تربت، می نویسد: «از آن چه گفته شد، دلیل آن چه را بسیاری از فقها فرموده اند، روشن می شود، بلکه در جامع المقاصد و کشف اللثام به فقها نسبت داده اند استحباب نوشتن (نام ائمه، آیات و شهادت بر توحید، نبوت و امامت) با تربت سیدالشهدا را به علت رعایت وظیفه نوشتن و (احترام) تربت». صاحب عروه نیز در مقام بیان مستحبات تکفین میت می فرماید: «بهتر این است که دعاهای مذکور (قرآن، جوشن کبیر و حدیث سلسله الذهب) با تربت قبر سیدالشهدا باشد». [۳۴].

همراهی با مرده در قبر

از کارهایی که مستحب است برای میت انجام داده شود، همراهی مقداری از تربت سیدالشهدا (ع) با میت، در حنوط و کفن و قبر است. شیخ حر عاملی بابی را با نام «استحباب وضع التربة الحسينية مع المیت فی الحنوط و الکفن و فی القبر» گشوده است و در آن، سه روایت را نقل کرده است؛ از جمله: «علامه حلی در منتهی المطلب نقل کرده زنی که زنا می کرد و فرزندانش را از کترس دوباره زمین گشوده شد. خانواده او به حضور امام صادق (ع) آمده و داستان را گزارش کردند. حضرت از اعمال زن پرسید. مادر گناه او را بازگو کرد. امام صادق (ع) فرمود: زمین این زن را نمی پذیرد؛ زیرا وی بندگان خدا را به عذاب الهی (آتش) عذاب می کرد. در قبر او مقداری از تربت امام حسین (ع) بگذارید. چون این کار را کردند، خداوند آن زن را (به وسیله خاک) پوشاند». گفتنی است که آن چه از این روایت استفاده می شود، گذاشتن تربت در داخل قبر است و این غیر از استحباب مخلوط کردن تربت با حنوط است.

استحباب خوردن تربت سیدالشهداء به قصد تبرک، در عصر عاشورا

از جمله احکام و آداب روز عاشورا، زیارت امام حسین (ع) و خودداری از خوردن غذا و آب تا بعد از ظهر و سپس خوردن مقداری از تربت سیدالشهدا (ع) است. شیخ طوسی می‌نویسد: «و يستحب صیام هذا العشر فاذا كان يوم عاشورا امسك عن الطعام و الشراب الی بعد العصر ثم يتناول شيئاً من التربة»؛ [۳۵]. یعنی مستحب است که ده روز اول محرم (دهه عاشورا) روزه گرفته شود و چون روز عاشورا فرا رسید، از خوردن و آشامیدن خودداری کن تا بعد از عصر. سپس مقداری از تربت سیدالشهدا را بخور. از این مطلب و همانند آن استفاده می‌شود که افزون بر این که خوردن مقداری از تربت سیدالشهدا (ع) به قصد استشفای جاز است، در عصر روز عاشورا خوردن مقداری از تربت، پس از امساک (نه نیت روزه) نیز جایز است. صاحب جواهر در این باره می‌نویسد: «به هر حال، خوردن خاک قبر امام حسین برای غیر استشفای، از جمله، به قصد تبرک در عصر روز عاشورا جایز نیست... این مطلب، در کلام بعضی از فقها تصریح شده است و کلام بعضی دیگر، در این مطلب ظهور دارد، در حالی که شیخ طوسی با آن مخالفت کرده و خوردن خاک قبر سیدالشهدا را به قصد تبرک، در عصر عاشورا جایز دانسته است».[۳۶].

افطار در عید فطر با تربت

در عید فطر مستحب است روزه با مقداری از تربت سیدالشهدا (ع) افطار شود. شیخ حر عاملی بابتی را با نام «استحباب الافطار یوم الفطر علی تمر و تربة حسینیة...» گشوده و از جمله احادیثی که در آن نقل کرده، عبارت است از: «علی بن محمد النوفلی قال: قلت لابی الحسن (ع): انی افطرت یوم الفطر علی طین و تمر. فقال لی: جمعت برکة و سنه»؛ [۳۷]. یعنی علی، پسر محمد نوفلی می‌گوید: به امام رضا (ع) عرض کردم: من روز عید فطر با تربت و خرما افطار کردم حضرت فرمود: میان برکت و سنت جمع کرده‌ای. هر چند بر اساس روایات «من بلغ» می‌توان استحباب افطار روزه عید فطر و قربان را پذیرفت، اما برخی از فقها، از جمله، محقق نراقی تنها با قصد استشفای خوردن تربت را جایز دانسته است و در غیر این صورت، مرجع، همان ادله حرمت اکل خاک است. [۳۸]. در هر صورت، فقها درباره استحباب این مورد اختلاف نظر دارند. بعضی از فقها استحباب را پذیرفته‌اند. صاحب جواهر می‌نویسد: «در هر صورت، خوردن خاک قبر سیدالشهدا تنها برای استشفای جاز است، نه غیر آن، هر چند برای تبرک در عصر عاشورا و روز عید فطر و عید قربان باشد. این مطلب، صریح کلام بعضی و ظهور کلام دیگران است، در حالی که شیخ طوسی با آن مخالفت کرده است. او در کتاب مصباح، خوردن خاک سیدالشهدا را در عصر عاشورا و عید فطر و عید قربان جایز دانسته است».[۳۹]. محدث عالی مقام، شیخ عباس قمی، در آداب روز عید فطر می‌نویسد: «شیخ مفید فرموده: مستحب است تناول کردن مقدار کمی از تربت سیدالشهدا علیه السلام که شفا است از برای هر دردی».[۴۰].

همراهی تربت برای امان

روایاتی دلالت دارد بر این که همراه داشتن تربت سیدالشهدا برای امان و دوری از ترس، مستحب است. در جامع احادیث الشیعه بابتی را با عنوان «استحباب استصحاب تربة الحسین للامان و دفع الخوف» گشوده شده و از جمله روایاتی که در آن نقل شده، این روایت است: «عن الصادق (ع)... اذا اراد احدکم ان یکون آمناً من کل خوف فلیأخذ السبحة من تربته... ثم یضعها فی جیبه فان فعل ذلک فی الغداة فلا یزال فی امان الله حتی العشاء و ان فعل ذلک فی العشاء فلا یزال فی امان الله حتی الغداة»؛ [۴۱]. صاحب جواهر در مقام بیان آن چه مستحب است با مسافر باشد، می‌نویسد: «سزاوار است برای مسافر و غیر مسافر، همراهی مقداری از تربت امام حسین (ع) زیرا این تربت، موجب امان از هرگونه ترس و موجب شفای هرگونه دردی است».[۴۲].

همراهی با ائمه

مستحب است از خاک قبر امام حسین (ع) در میان اثاثیه گذاشته شود. در این باره نیز روایاتی نقل شده است. در جامع احادیث الشیعه، در بابی با نام «باب استحباب وضع الطین من قبر الحسین (ع)، فیما بین المتاع» روایاتی نقل شده است؛ از جمله: «محمد بن عیسی یقطینی قال: بعث الی ابی الحسن الرضا (ع)... رأیت فی اصفاف الثیاب طیناً فقلت للرسول: ما هذا؟ فقال: لیس یوجّه بمتاع الا جعل فیہ طیناً من قبر الحسین (ع) ثم قال الرسول: قال ابوالحسن (ع) هو امان باذن الله؛ یعنی محمد بن عیسی یقطینی می گوید: امام رضا (ع) برایم مقداری لباس فرستاد... در میان لباس ها مقداری خاک دیدم. از مأمور پرسیدم: این خاک ها چیست؟ پاسخ داد: امام رضا هیچ گاه اساسی را به جایی نمی فرستد، مگر این که در آن، مقداری از خاک قبر امام حسین قرار می دهد. سپس فرستاده گفت: امام رضا می فرماید: این خاک، موجب حفظ اثاثیه است به خواست خدا.

بوسیدن و بوسیدن تربت سیدالشهداء

در روایات، افزون بر استسفا با تربت سیدالشهدا (ع) بوسیدن و مالیدن آن بر اعضای بدن نیز توصیه شده است. در جامع احادیث الشیعه، در بابی با نام «باب استشفاء بترتبه الحسین... و تقبلیها...» بیش از هشت روایت نقل شده است؛ از جمله: «عن زید بن ابی اسامه قال: كنت فی جماعه من عصابتنا بحضرة سیدنا الصادق (ع) فاقبل علینا ابو عبدالله (ع) فقال: ان الله تعالی جعل تربته جلدی الحسین (ع) شفاء من کل داء و اماناً من کل خوف فاذا تناولها احدکم فلیقبلها و لیضعها علی عینیه و لیمرها علی سائر جسده...» [۴۳]. یعنی زید، پسر اسامه می گوید: با گروهی در محضر امام صادق بودیم. پس آن حضرت رو به ما آورد و فرمود: خداوند متعال تربت جدم حسین را شفای هر درد و امان از هر ترس قرار داده است. پس اگر یکی از شما خواست آن را تناول کند، آن را ببوسد و بر چشمانش قرار دهد و بر دیگر اعضای بدن بکشد.

غسل کردن برای برداشتن تربت

صاحب عروه الوثقی در مقام بیان غسل های مستحب، غسل برای برداشتن از تربت سیدالشهدا (ع) را مستحب دانسته است. وی می نویسد: «الثانی عشر للاخذ تربته قبر الحسین (ع)»؛ [۴۴]. یعنی دوازدهم، غسل کردن برای برداشتن از تربت قبر امام حسین (ع) مستحب است. فقهای صاحب حاشیه بر عروه بر این مسأله حاشیه نزده و آن را تلقی به قبول کرده اند. محقق آملی، شارح عروه الوثقی در مقام استدلال کلام سید می نویسد: «ففی مصباح السید روی فی اخذ التربة انک اذا اردت اخذها فقم فی آخر اللیل و اغتسل و البس اطهر ثیابک (و فی البحار) عن المزار الکبیر عن الباقر (ع) اذا اردت ان تأخذ التربة فعمد لها آخر اللیل و اغتسل لها بماء الفرات...»؛ یعنی در مصباح سید روایت کرده است که هرگاه خواستی تربت را برداری، پس در آخر شب به پا خیز و غسل کن و بهترین لباس هایت را بپوش... و در کتاب بحار از مزار کبیر از امام باقر (ع) نقل شده هرگاه خواستی تربت را برداری، در آخر شب، با آب فرات غسل کن. [۴۵].

استحباب تبرک به کربلا

روایاتی در باره فضیلت و احترام کربلا نقل شده است. در برخی از آن ها به تبرک جستن به کربلا نیز اشاره شده است. محدث عالی مقام شیخ حر عاملی بابی را با نام «باب استحباب التبرک بکربلاء» گشوده و در آن هفت روایت را نقل کرده است؛ از جمله: «عن صفوان الجمال قال: سمعت ابا عبدالله (ع) یقول: ان الله فضل الارضین و المیاء بعضها علی بعض... و ان کربلاء و ماء الفرات اول ارض و اول ماء قدس الله و بارک علیه فقال لها تکلمی بما فضلک الله فقالت: انا ارض الله المقدسه المبارکه، الشفاء فی تربتی و مائی»؛ یعنی صفوان جمال می گوید: شنیدم که امام صادق (ع) می فرمود خداوند برخی از زمین ها و آب ها را بر برخی

دیگر ترجیح و فضیلت داده... و همانا کربلا و آب فرات، اول زمین و آبی هستند که خداوند آن‌ها را مقدس ساخته و در آن‌ها برکت قرار داده است. پس خداوند به کربلا- خطاب کرد به آن چه خداوند تو را فضیلت داده، سخن بگو. پس کربلا گفت: من زمین مقدس و مبارک الهی هستم و تربت و آب من شفا است.

بطلان فروش تربت به کافر

در فقه، این مسأله مطرح است که آیا فروش عبد مسلمان به مشتری غیرمسلمان جایز است یا نه؟ در این مسأله، فقها اختلاف نظر دارند. محقق حلی در مقام تبیین شروط خریدار و فروشنده می‌فرماید: «اگر مبیع عبد مسلمان باشد، باید مشتری مسلمان باشد، هر چند گفته شده است که اگر مشتری کافر باشد، معامله صحیح است ولیکن مجبور می‌شود بر فروش و اما قول اول (عدم جواز) اشبه است». [۴۶]. صاحب جواهر پس از استدلال بر قول اول، می‌فرماید: «فاضل و فقهای پس از او ملحق کرده اند به عبد مسلم، مصحف... و کتاب‌های حدیث و تفسیر و مزارات و خطب و مواعظ و دعا و تربت حسینی را...». [۴۷]. در هر صورت، طبق نظر این فقها فروش تربت امام حسین (ع) به مشتری کافر جایز نیست. تفصیل این مسأله، از حوصله و موضوع این نوشته خارج است.

تخیر میان قصر و اتمام در حائر حسینی

از جمله احکام مربوط به کربلا- و تربت حسینی، از تخیر مسافر میان قصر و تمام خواندن نماز است. صاحب عروه الوثقی در این باره می‌نویسد: «اقوا این است که مسافر، میان قصر و تمام، در چهار مکان مخیر است و این چهار مکان عبارتند از: مسجد الحرام، مسجد النبی، مسجد کوفه و حائر حسینی؛ ولی تمام خواندن افضل و قصر احوط است...». [۴۸]. بر این بخش از مسأله، فقهای صاحب حاشیه بر عروه نظری بر خلاف نداده اند و آن را پذیرفته اند. آیه‌الله حکیم در مقام تبیین مسأله می‌نویسد: «این مطلب، میان فقها مشهور است در حد نزدیک به اجماع، هر چند در سرائر و مفتاح الکرامه ادعای اجماع شده است؛ به علت وجود اخبار فراوان، که در میان آن‌ها خبر صحیح و موثق هست و در فهرست وسایل، تعداد آن‌ها ۳۴ حدیث است...». [۴۹]. در اصل این مسأله، اختلافی نیست، هر چند در محدوده آن اختلاف وجود دارد. حضرت امام خمینی می‌فرماید: «اقوا این است که همه روضه شریفه، داخل در عنوان حائر است. پس از طرف سر مبارک تا پنجره متصل به رواق و از طرف پا تا در متصل به رواق و از پشت تا مسجد و الحاق رواق شریف، خالی از قوت نیست، هر چند احتیاط واجب، قصر است».

مباحث دیگر

مباحث دیگری درباره تربت سیدالشهدا (ع) در کتاب‌های فقهی مطرح شده است که از حوصله این نوشته خارج است؛ از جمله: الف. روایات درباره به وسعت مکانی که خاک آن موضوع احکام یاد شده است، مختلف است. [۵۰] صاحب کامل الزیارات بابی را با عنوان «من این یؤخذ طین قبر الحسین (ع) و کیف یؤخذ» گشوده و روایات مختلفی را نقل کرده است. در بعضی قبر شریف و در بعض دیگر، شعاع یک فرسخ در یک فرسخ... آمده است. حضرت امام خمینی در این باره می‌نویسد: «قدر متیقن، خاک قبر شریف و جاهایی که عرفاً به آن ملحق است، محکوم به احکام تربت است و احوط عبارت است از اکتفا به قبر شریف». [۵۱]. ب. درباره مقدار نیز اختلاف است. امام خمینی در این باره می‌فرماید: «جایز نیست خوردن بیش تر از اندازه یک نخود متوسط». [۵۲]. ج. درباره خوردن نیز اختلاف شده است. امام خمینی می‌فرماید: «خوردن تربت به سه شکل جایز است: ۱. خوردن خاک. ۲. مخلوط کردن با آب. ۳. مخلوط کردن با شربت». [۵۳].

احکام عزاداری سیدالشهداء

اشاره

بزرگ داشتن یاد و خاطره امامان، به ویژه حضرت سیدالشهدا (ع) مورد سفارش اکید ائمه (ع) بوده است. آنان خود نیز در برپایی مجالس عزای نهایت اهتمام را داشته اند امام رضا (ع) می فرماید: «کان ابی اذا دخل شهر المحرم لا یری ضاحکاً و کانت الکأبه تغلب علیه حتی یمضی منه عشره ايام فاذا کان یوم العاشر کان ذالک الیوم یوم مصیبه و حزنه و بکائه». [۵۴]. یعنی هنگامی که ماه محرم فرا می رسد، کسی پدرم را خندان نمی دید و غم و اندوه بر او چیره می شد تا روز عاشورا و روز عاشورا روز مصیبت، اندوه و گریه او بود. عاشورا و زنده نگه داشتن خاطرات آن، امروز در متن زندگی شیعه رسوخ و در عمق باورهای او جریان یافته است. تشکیل مجالس عزاداری و سوگواری، فرهنگی است برخوردار از همه ارزش های الهی و انسانی. شرکت در مجالس ماتم و عزای اعتراض و جبهه گیری علیه همه زشتی ها و پلیدی ها و حمایت از مظلومان تاریخ است. مجالس عزاداری، در طول تاریخ شیعه، آثار و برکات بی شماری داشته است؛ از جمله، تداوم و احیای نهضت عاشورا. امام خمینی (ره) در این باره می فرماید: «الان هزار و چهار صد سال است که با این منبرها، با این روضه ها و با این مصیبت ها با این سینه زنی ها ما را حفظ کرده اند... هر مکتبی تا پیش سینه زن نباشد، تا پیش گریه کن نباشد، تا پیش سر و سینه زن نباشد، حفظ نمی شود». [۵۵]. تاریخ عزاداری برای سیدالشهدا (ع) به درازای تاریخ تولد بشر (حضرت آدم) است. برای سیدالشهدا (ع) نه تنها آدم و انبیا [۵۶] و رسول الله [۵۷] و علی و فاطمه [۵۸] مجلس عزاداری به پا کرده اند بلکه فرشتگان الهی در سوگ آن حضرت، اقامه ماتم کرده اند. [۵۹]. امروز بسیاری از متفکران ادیان الهی، برای امام حسین (ع) و مراسم او احترام قائلند. یک کشیش مسیحی می نویسد: «اگر حسین از آن ما بود، در هر سرزمینی برای او بیرقی برمی افراشتیم و در هر روستایی برای او منبری برپا می کردیم و مردم را با نام حسین به مسیحیت فرا می خواندیم». [۶۰]. ژوزف فرانسوی درباره اهمیت و آثار و برکات عزاداری، مطالب بسیاری دارد؛ از جمله: «خود شیعه هم به این فایده ای که در کارهایشان وجود دارد، متوجه نیستند و گمان می کنند که تنها ثواب اخروی کسب می کنند؛ ولی هر عملی که در این جهان انجام می شود، بی شک در اجتماع اثر می گذارد... ما اگر می بینیم که در هند شیعیان بسیاری وجود دارند، در اثر اقامه ماتم و عزاداری حسین است». [۶۱]. ماریبن آلمانی در این باره می نویسد: «بی اطلاعی بعضی از تاریخ نویسان ما موجب شده است که عزاداری شیعه را به جنون و دیوانگی نسبت دهند؛ ولی اینان گزافه گفته و به شیعه تهمت زده اند. ما در میان ملل و اقوام، مردمی مانند شیعه، پرشور و زنده ندیده ایم؛ زیرا شیعیان به واسطه به پا کردن عزاداری حسین، سیاست های عاقلانه ای را انجام داده و نهضت های مذهبی ثمربخش را به وجود آورده اند... ما اگر پیروان و مبلغان خود را با آن همه مخارج هنگفت و صرف نیرو و دلار با شیعه و مبلغین آن قیاس کنیم، خواهیم دید که مسیحیت به اندازه یک دهم شیعه پیشرفت نکرده است... من معتقدم که رمز بقا و پیشرفت اسلام و تکامل مسلمانان، شهید شدن حسین و آن رویدادهای غم انگیز است». [۶۲]. در هر صورت، عزاداری برای سیدالشهدا (ع) از نگاه فقها موضوع احکامی است که هر یک از آن ها در تداوم و استمرار نهضت حسینی نقش به سزائی داشته است. در این بخش، برخی از آن احکام بررسی می شود.

تسلیت گویی

از کارهای مستحب در روز عاشورا تسلیت گویی شیعیان به یکدیگر است. در روایات از ائمه اطهار (ع) نقل شده است که اصل تسلیت گویی به صاحب عزای امری پسندیده است و طبق قاعده تسامح در ادله سنن مستحب است؛ از جمله، در روایتی از رسول خدا (ص) نقل شده است: «من عزّی مصاباً فله مثل اجره». [۶۳]. یعنی هر کس مصیبت دیده ای را تسلیت گوید، پاداشی همانند او

دارد. در خصوص روز عاشورا روایت شده است که شیعیان به یکدیگر بگویند: «اعظم الله اجورنا بمصابنا بالحسین علیه السلام و جعلنا و ایاکم من الطالبین بثاره مع ولیه الامام المهدی من آل محمد علیهم السلام». [۶۴].

سلام کردن بر حسین در هر روز

محدث عالی مقام، شیخ عباس قمی در مفاتیح الجنان بابی را با عنوان «استحباب التسلیم علی الحسین (ع) و الصلاة علیه من بعید و قریب، کل یوم» گشوده و در آن، روایاتی را نقل کرده است؛ از جمله: «قال: حسین بن ثویر کنت انا و یونس بن ظبیان عند ابی عبدالله و کان اکبرنا سنّاً فقال له: انی کثیراً ما اذکر الحسین (ع) فای شیء اقول؟ قال: قل: صلی الله علیک یا ابا عبدالله تعید ذلک ثلاثاً فان السلام یصل الیه من قریب و بعید». [۶۵]. حسین، پسر ثویر می گوید: من و یونس پسر ظبیان در محضر امام صادق (ع) بودیم و یونس سنش از ما بیش تر بود یونس به حضرت عرض کرد: من بسیاری از اوقات به یاد حسین (ع) هستم، پس چه جمله ای را بگویم؟ حضرت فرمود: بگو: «صلی الله علیک یا ابا عبدالله». این درود را سه بار تکرار کن. پس همانا سلام به آن حضرت می رسد، از دور باشد یا نزدیک.

استحباب سرودن شعر و نوحه سرایی

از موضوعات فقهی درباره واقعه عاشورا و امام حسین (ع) سرودن شعر است که هم شامل سرودن شعر و هم شعرخوانی (نوحه سرایی) می شود. روایاتی نیز در این باره نقل شده است؛ از جمله: «عن ابی عماره المنشد عن ابی عبدالله (ع) قال: قال لی: یا ابا عماره! انشدنی فی الحسین بن علی. قال: فانشدته فبکی ثم نشدته فبکی. قال: فوالله ما زلت انشده و بیکی حتی سمعت البکاء من الدار. قال: فقال یا ابا عماره: من انشد فی الحسین بن علی شعراً فابکی خمسين فله الجنة و من انشد فی الحسین شعراً فابکی ثلاثین فله الجنة و من انشد فی الحسین شعراً فابکی عشرين فله الجنة و من انشد فی الحسین شعراً فابکی عشرة فله الجنة و من انشد فی الحسین شعراً فابکی واحداً فله الجنة و من انشد فی الحسین شعراً فبکی فله الجنة و من انشد فی الحسین شعراً فتابکی فله الجنة». [۶۶]. یعنی ابی عماره منشد از امام صادق (ع) نقل می کند که آن حضرت به او فرمود: ای ابا عماره! درباره حسین برایم شعر بخوان. من شعر خواندم. پس گریه کرد سپس شعر خواندم دوباره گریه کرد ابا عماره می گوید: سو گند به خدا همواره شعر می خواندم و آن حضرت گریه می کرد تا این که صدایش از بیرون خانه شنیده می شد. آن حضرت فرمود: ای ابا عماره! هر کس درباره حسین شعری بخواند و پنجاه نفر را بگریاند، بهشت برای او است و هر کس شعری بخواند و سی نفر را بگریاند، بهشت برای او است و هر کس شعری بخواند و بیست نفر را بگریاند، بهشت برای او است و هر کس شعری بخواند و ده نفر را بگریاند، بهشت برای او است و هر کس شعری بخواند و یک نفر را بگریاند، بهشت برای او است و هر کس شعری بخواند و گریه کند، بهشت برای او است و هر کس شعری بخواند و خودش را به گریه بزند، بهشت برای او است.

آرزوی بودن با امام حسین

آرزوی شهادت و رستگار شدن در رکاب سیدالشهدا (ع) برای عاشقان آن حضرت، از بهترین آرزوهاست به ویژه برای کسانی که شهادت را فوز عظیم و اوج قرب و کمال می دانند. در بسیاری از زیارات آن حضرت، به این مطلب اشاره شده است؛ از جمله، زیارت اول سیدالشهدا (ع): «فلیت انی معکم فافوز فوزاً عظیماً». [۶۷]. نیز در زیارت ششم آمده است: «یا لیتنی کنت معکم فافوز فوزاً عظیماً». [۶۸]. پر واضح است که چنین آرزویی می تواند در تداوم و استمرار حرکت عاشورا بسی نقش آفرین باشد، به ویژه با توجه به این که به فرموده امام صادق (ع) هر روز عاشورا و هر زمین کربلا- است. [۶۹] این مطلب، در زمان جنگ

تحمیلی، به گونه احسن تجلی کرد و بسیاری از آرزومندان رکاب آن حضرت، سرزمین ایران را کربلا دانسته و از نظام جمهوری اسلامی که ثمره خون شهدای کربلا بود، دفاع کردند. در روایات نیز بر آرزوی بودن در رکاب آن حضرت تأکید شده است؛ از جمله، در روایت ریان آمده است: «عن الرضا (ع) فی حدیث... یابن شیبب ان سرک ان یکون لک من الثواب مثل ما لمن استشهد مع الحسین (ع) فقل متی ذکرتمهم: یا لیتنی کنت معهم فافوز فوزاً عظیماً». [۷۰]. یعنی ریان، پسر شیبب در حدیثی طولانی از امام رضا (ع) نقل می‌کند... ای پسر شیبب! اگر تو را ثواب و اجر مثل کسی که با حسین شهید شده، خوشحال می‌کند، پس هرگاه به یاد آنان افتادی، بگو: ای کاش با آنان بودم، پس به فوز بزرگ دست می‌یافتم. با توجه به این که در این روایت آمده است که ثواب آرزوی بودن با سیدالشهدا (ع) مانند ثواب کسانی است که در رکاب آن حضرت شهید شده اند، براساس احادیث «من بلغ» می‌توان گفت که چنین آرزویی مستحب است و فلسفه آن، آمادگی کامل برای استمرار بخشیدن به حرکت عاشورا و ارزش‌هایی است که شهیدان کربلا برای آن‌ها به شهادت رسیدند.

گریه بر سیدالشهدا

گریه کردن و گریاندن، سلاح برنده‌ای است که پیامش اعتراض به ستم‌گران و جباران تاریخ است، مبنی بر این که آنان با آه و ناله جان سوز مظلومان، به ذلت و خاری کشانده خواهند شد. هر قطره اشک، گلوله‌ای است بر قلب ستم‌گران بی رحم تاریخ. گریه کردن بر سیدالشهدا (ع) ثمره محبتی است برخاسته از عشق و علاقه به حسین بن علی (ع) و یاران با وفایش و همین گریه، موجب پیدایش رابطه‌ای وثیق و ناگسستنی میان ما و سالار شهیدان، در طول تاریخ است. گریه کردن بر امام حسین (ع) نه تنها مایه شرافت و افتخار انسان‌های دل‌باخته است، بلکه سبب مباحثات زمین و آسمان، نباتات و حیوانات، صحراها و دریاها نیز هست نهضت عاشورا با همین گریه‌ها حفظ و استمرار یافته است. امام خمینی در این باره می‌فرماید: «گریه کردن بر عزای امام حسین، زنده نگه داشتن نهضت و زنده نگه داشتن همین معنا است که یک جمعیت کمی در مقابل یک امپراتور بزرگ ایستاد... آن‌ها از همین گریه‌ها می‌ترسند برای این که گریه‌ای است که گریه بر مظلوم است». [۷۱]. در جای دیگر می‌فرماید: «گریه کردن بر شهید، زنده نگه داشتن نهضت است». [۷۲]. از این جا فلسفه دستوره‌های مؤکد ائمه اطهار (ع) به علاقه‌مندان و شیعیان، برای گریستن و گریاندن روشن می‌شود. امام رضا (ع) به ریان بن شیبب می‌فرماید: «اگر بر چیزی گریه می‌کنی، بر حسین بن علی گریه کن که او را هم چون گوسفند سربریدند». [۷۳]. گفتنی است که گریه اقسامی دارد: ۱. گریه عجز؛ ۲. تزویر؛ ۳. پشیمانی؛ ۴. شوق؛ ۵. رحم؛ ۶. غم و اندوه؛ ۷. فراق و دوری. بی‌شک گریه قسم اول و دوم و سوم، نه تنها ممدوح نیست، بلکه مذموم نیز هست؛ ولی گریه‌های دیگر، هر کدام به جای خود، پسندیده و دارای اجر و ثواب است. در هر صورت، گریه در استمرار و احیای صحنه‌های عاشورا نقش اساسی داشته و خواهد داشت. از این رو، موضوع احکام فقهی قرار گرفته است که به بعضی از آن‌ها اشاره می‌شود. از جمله مستحباتی که روایات بسیاری در باره آن نقل شده است، گریه بر مصیبت‌های وارده بر سیدالشهدا (ع) و خاندان او است. محدث عالی مقام شیخ حرّ عاملی بابی را با نام «باب استحباب البكاء لقتل الحسین و ما اصاب...» گشوده و در حدود بیست روایت را در آن نقل کرده است. [۷۴] علامه مجلسی نیز بابی را با نام «باب ثواب البكاء علی مصیبت و مصائب سائر الائمة...» [۷۵] گشوده و در آن ۳۸ روایت را نقل کرده است. در جامع احادیث الشیعه نیز بابی با عنوان «باب انه یستحب البكاء لما اصاب اهل بیت النبی (ص) خصوصاً الحسین» [۷۶] وجود دارد که در آن، بیش از ۲۷ روایت نقل شده است؛ از جمله: «عن فضیل بن یسار عن ابی عبدالله (ع) قال: من ذکرنا عنده ففاضت عیناه و لو مثل جناح الذباب غفر الله ذنوبه و لو کانت مثل زبد البحر». [۷۷]. یعنی فضیل، پسر یسار از امام صادق (ع) نقل می‌کند که هر کس نام ما پیش او برده شود و چشمانش اشک آلود گردد هر چند به اندازه بال مگس، خداوند گناهانش را خواهد بخشید، گرچه در حد کف دریا (کنایه از فراوانی) باشد.

تباکی

از مستحبات در باره حادثه عاشورا تباکی، یعنی خود را در مصیبت سیدالشهدا (ع) گریان نشان دادن و یا حالت گریه به خود گرفتن است. در این باره احادیث فراوانی نقل شده است؛ از جمله، در حدیث قدسی آمده است: «یا موسی! ما عبد من عبیدی فی ذلک الزمان بکی او تباکی و تعزی علی ولد المصطفی الا و کانت له الجنة ثابتاً فیها». [۷۸]. یعنی ای موسی! هیچ بنده ای از بندگان، در عصر آخرالزمان نیست که در عزای فرزند مصطفی (حسین) گریه کند و یا خود را گریان نشان دهد، مگر این که بهشت برای اوست و در آن، ثابت و برقرار است. و یا در روایت دیگر آمده است: «من انشد فی الحسین شعراً فتباکی فله الجنة». [۷۹]. یعنی هر کس در باره حسین (ع) شعری بگوید و تباکی کند، بهشت برای او است. بنابراین، بر اساس قاعده تسامح در ادله سنن، ممکن است گفته شود که تباکی در عزای سیدالشهدا (ع) مستحب است.

مصادیق عزاداری

همان گونه که پیش از این گفته شد، عزاداری سرور و سالار شهیدان، در عصر ما شکل‌ها و مصادیق گوناگونی دارد. برخی از این نمونه‌ها در عصر ائمه اطهار (ع) نبوده است تا روایتی در باره آن وارد شود ولی از آنجا که اصل اقامه عزا و ذکر مصیبت، عملی ممدوح و بر اساس احادیث تسامح در ادله سنن، مستحب است، می‌توان گفت که هر چیزی که جنبه عزاداری و مصداق ذکر مصیبت باشد، محکوم به حکم عزاداری است، مگر آن مصادیقی که با عنوان ثانوی و یا به علل دیگر، خارج از این حکم باشد. در این جا شایسته است فهرست مهم‌ترین مصادیق عزاداری، بیان شود و گفتنی است مصادیق عزاداری، به حسب زمان و مکان و اهمیت، تفاوت دارند ۱. نوحه خوانی؛ ۲. شبیه خوانی (تعزیه) ۳. سینه زنی و زنجیر زنی؛ ۴. بر پایی مجالس روضه؛ ۵. سیاه پوشی و برافراشتن پرچم‌های سیاه؛ ۶. مالیدن گل بر سر و صورت و پشیمانی ۷. خواندن زیارت عاشورا؛ ۸. سفره انداختن به یاد امام حسین (ع) و یاران ایشان.

تحریف در مراسم عاشورا

عزاداری سیدالشهدا (ع) به علت برکات و آثار بی شماری که دارد، مورد تهاجم دشمنان اسلام و آن حضرت بوده و خواهد بود. در تاریخ، گروه‌ها و افراد بسیاری به شکل‌های گوناگون، همت و تلاش خود را برای از بین بردن شعایر حسینی و محو آثار و برکات آن، به کار گرفته‌اند، در گذشته، حکام اموی و عباسی و در عصر حاضر، گروه‌های وهابی مسلک را می‌توان نام برد. پرواضح است که این تبلیغات، نه تنها در شور و شوق دلباختگان حسینی اثر منفی ندارد، بلکه اثر مثبت نیز دارد؛ اما گاهی برخی رفتارهای شیعیان و عاشقان آن حضرت، به عنوان عزاداری سبب می‌شود که این فرهنگ غنی و ژرف، به انحراف کشیده شود. از این رو، بر عالمان دینی و عاشقان حسینی فرض است که برای جلوگیری از تحریف این مراسم بکوشند و در این راه، از هرگونه افراط و تفریط بپرهیزند. خوشبختانه بسیاری از فقها و عالمان دلداده و آگاه، به این مسأله حساسیت نشان داده و در موارد مختلف، برخی از تحریفات را تبیین کرده‌اند، که از جمله، حضرت امام خمینی شهید مطهری [۸۰] و مقام معظم رهبری را می‌توان نام برد. مقام معظم رهبری در ارتباط با عزاداری مطالب فراوانی را گوشزد کرده‌اند؛ از جمله: «این عزاداری‌های سنتی، مردم را به دین نزدیک می‌کند... این یک کار غلطی است که عده‌ای قمه‌ها را بگیرند به سر خود بزنند و خون بریزند. این کار یعنی چه؟... ما نباید کاری بکنیم که جامعه اسلامی برتر، یعنی جامعه محب اهل بیت (ع) که مفتخر به نام مقدس ولی عصر - ارواحنا فداه - است به نام حسین بن علی (ع) و به نام امیرالمؤمنین (ع) در نظر مسلمانان عالم و غیرمسلمانان، به عنوان یک گروه آدم‌های خرافی بی

منطق معرفی بشود». [۸۱]. اندیشمندان و فقهای روشن ضمیر، در طول تاریخ، با حساسیت تمام، موضوع تحریفات عاشورا را پی گرفته و هشدارهای لازم را داده اند؛ از جمله، آیه الله سید محسن امین می نویسد: «بزرگ ترین گناهان این است که انسان بدعت ها را به جای مستحب گرفته و یا امور مستحبی را بدعت وانمود کند. امور نهی شده، که در عزاداری ها فراوان اتفاق می افتد، از قرار زیر است: ۱. کذب و دروغ گفتن؛ ۲. آزار نفس و اذیت کردن بدن، که همان قمه زدن و شاخ حسینی است... حرام بودن این امور، عملاً و فعلاً ثابت است. ۳. جیغ زدن و فریادهای بلند زنان، که علاوه بر زشت بودن آن، اصلاً گناه و معصیت است. ۴. داد و فریاد و نعره های وحشیانه با صداهای نکره؛ ۵. غیر از این ها آن چه به نام دین در این گونه مجالس، موجب آبروریزی و هتک حرمت فوق العاده دین می شود و حد مرزی نیز نمی توان برای آن شمرد». [۸۲].

احکام فقهی زیارت

اشاره

زیارت، هم جنبه اعتقادی دارد و هم بعد سیاسی و اجتماعی و از سوی دیگر، برخوردار از روح سازندگی و تربیتی نیز هست. مکان های زیارتی، به ویژه کربلا، مانند دانشگاه هایی هستند که معلمان آن سیدالشهدا (ع) و یاران با وفایش می باشند و شاگردان آن ها زایران عاشق و عارف و ماده درسی تعالیم آسمانی و ارزش های انسانی و هدف آن ها رشد معنویت و پیوند وثیق و ناگسستنی با امامان و خط سرخ شهادت. از نگاه آموزه های شیعی، اجر و پاداش زیارت، هم سان بسیاری از عبادات، بلکه برتر از آن ها است. زیارتنامه های امامان شیعه، در بردارنده بسیاری از ناگفته های آنان است. در طول تاریخ شیعه، زیارت از مهم ترین عوامل حفظ و استمرار حرکت و نهضت عاشورا بوده است. شخص زایر با حضور در کنار مرقد امامان (ع) ضمن الهام گرفتن از اسوه های انسانیت و تعظیم شعایر و تقدیر از فداکاری ها و تجلیل از پاکی ها خود را در برابر آئینه تمام قد فضیلت ها قرار می دهد تا عیار خود را بسنجد. در هر صورت، زیارت، آشنایی با همه خوبی ها و ارزش ها است. از این رو است که در تعالیم شیعی، به زیارت کردن سفارش فراوان شده است. این بخش، نگاهی اجمالی دارد به برخی از احکام فقهی زیارت.

وجوب و یا استحباب مؤکد زیارت

زیارت سیدالشهدا (ع) اگر نگوییم واجب است، استحباب مؤکد آن، قطعی بوده و در آن هیچ گونه شکی نیست. روایات در این باره فراوان است. بسیاری از محدثان ابواب مختلفی را برای نقل این گونه روایات گشوده اند. از میان آنان می توان از صاحب وسائل الشیعه نام برد. وی بیش تر از ۳۵ باب را به این موضوع اختصاص داده و از جهات گوناگون، زیارت سیدالشهدا (ع) را بررسی کرده است. ایشان عنوان چند باب را به واجب کفایی بودن زیارت آن حضرت اختصاص داده است؛ از جمله، در باب سی و هفتم از ابواب «المزار و ما یناسبه» آمده است: «باب تأکد استحباب زیارة الحسین بن علی [۸۳] و وجوبها کفایة»، که در آن، ۴۸ روایت را نقل کرده است که برخی از آن ها از نظر سند، معتبر و قابل اعتمادند از جمله: ۱. «عن محمد بن مسلم عن ابی جعفر قال: مروا شیعتنا بزیارة قبر الحسین فان اتیانه یزید فی الرزق و یمد فی العمر و یدفع مدافع السوء و اتیانه مفترض علی کل مؤمن یقله بالامامة من الله». [۸۴]. یعنی امام صادق (ع) می فرماید: پیروان ما را به زیارت مرقد امام حسین ببرید. پس همانا آمدن به زیارت حسین روزی را زیاد و عمر را طولانی و روزنه بدی ها را می بندد و آمدن به زیارت آن حضرت، بر هر مؤمنی که به امامتش از سوی خدا اذعان دارد، واجب است. دو فقره از این روایات، ممکن است بر وجوب زیارت سیدالشهدا (ع) دلالت کند: اول، جمله «مروا» که صیغه امر است و ظهور اولی آن، در وجوب است. دوم، جمله «و اتیانه مفترض...» که به صراحت، بر وجوب زیارت

دلالت دارد. ۲. در روایت ام سعید الاحمسیه نیز تصریح شده است: بر وجوب زیارت سیدالشهدا (ع) «قالت: قال لی ابو عبدالله (ع) یا ام سعید تزورین قبر الحسین (ع) قالت: قلت: نعم (قال: یا ام سعید) زوریه فان زیارة الحسین واجبة علی الرجال و النساء»؛ [۸۵]. یعنی ام سعید می گوید: امام صادق (ع) خطاب به من فرمود: ای ام سعید! آیا مرقد مقدس حسین را زیارت می کنید؟ عرض کردم: آری. آن حضرت فرمود: قبر آن حضرت را زیارت کنید. پس همانا زیارت حسین بر هر مرد و زنی واجب است. در این روایت، جمله «زوریه» امر است و ظهور در وجوب دارد و نیز فقره پایانی حدیث، که در مقام تعلیل جمله اول است، دلالت دارد بر وجوب زیارت، بر هر زن و مرد. ۳. در روایت عبد الرحمن بن کثیر نیز به وجوب زیارت حضرت سیدالشهدا (ع) اشاره شده و افزون بر این زیارت، حقی نیز از سوی خدا برای آن حضرت، شمرده شده است: «قال: قال ابو عبدالله (ع): لو ان احدکم حج دهره ثم لم یزر الحسین بن علی (ع) لکان تارکاً حقاً من حقوق رسول الله (ص) لان حق الحسین فریضة من الله واجبة علی کل مسلم»؛ [۸۶]. یعنی ابن کثیر می گوید: امام صادق (ع) فرمود: اگر یکی از شما همه عمرش حج انجام دهد و پس از آن، حسین بن علی را زیارت نکند، این شخص حقی از حقوق رسول خدا را ترک کرده است؛ زیرا حق حسین از سوی خدا فریضه است و بر هر مسلمان، واجب. در این حدیث، زیارت امام حسین (ع) دوبار واجب شمرده است: اول در ضمن جمله «فریضة من الله» و دوم فقره «واجبة» علی کل مسلم. ۴. در بسیاری از روایات، ترک زیارت سیدالشهدا (ع) سبب نقص ایمان شمرده شده است؛ از جمله، در روایت عسمة بن مصعب: «عن ابی عبدالله (ع) قال: من لم یأت قبر الحسین (ع) حتی یموت کان منتقص الایمان، منتقص الدین ان أدخل الجنة کان دون المؤمنین فیها»؛ [۸۷]. یعنی امام صادق (ع) فرموده: هر کس به زیارت قبر حسین نیاید تا این که بمیرد، این شخص، ایمان و دینش ناقص است و اگر وارد بهشت شود، مؤمنان (کنایه از رتبه و درجه پایین تر) خواهد بود. این روایت، صریح است در این که تارک زیارت آن حضرت، ایمانش ناقص است. همان گونه که ملاحظه شد، دلالت روایات بر وجوب زیارت، جای شبهه نیست. از این رو، بعضی از فقها فرموده اند که زیارت ائمه (ع) در طول عمر، یک بار واجب است. مجلسی اول می نویسد: «بل یظهر من الاخبار الكثيرة وجوب زیارته (ع) و لهذا قال به جماعة من اصحابنا بل ذهب طائفة الی وجوب زیارة کل واحد من الائمة (ع) ولو مرة فی جمیع العمر»؛ [۸۸]. یعنی بلکه از اخبار فراوان، وجوب زیارت امام حسین (ع) ظاهر می شود و از این رو، گروهی از فقهای شیعه فتوا به وجود داده اند، بلکه گروهی از فقها فتوا داده اند که زیارت هر یک از امامان، هر چند یک بار در طول عمر، واجب است. در هر صورت، هر چند روایات دلالت بر وجوب عینی زیارت دارند ولی فتوا دادن به وجوب عینی مشکل است. یا از باب این که روایات مورد اعراض مشهور فقها بوده است؛ زیرا کسی طبق آن فتوا نداده است، جز مجلسی اول. البته این پاسخ، طبق مبنای فقهایی که اعراض مشهور را موهن سند می دانند، صحیح است. یا باید وجوب حمل بر کفایی شود؛ یعنی اگر قبور ائمه (ع) به ویژه کربلا زائری نداشته باشد، در حدی که از غربت خارج شوند، بر شیعیان، زیارت آنان واجب کفایی است. شاهد بر این حمل، سیره متشرعه متصل به زمان ائمه است مبنی بر این که زیارت ائمه (ع) را واجب نمی دانسته اند. و یا باید روایات دال بر وجوب، حمل بر تأکید شوند و از ظاهر آن ها رفع ید شود. شاهد این حمل نیز روایات بسیاری است که هم از نظر سند و هم از نظر دلالت، اقوا از روایات دال بر وجوبند و در مقام تعارض، بر آن ها مقدم می شوند.

استحباب زیارت امام حسین در حال خوف

در میان فقها این بحث مطرح است که آیا اهمیت زیارت سیدالشهدا (ع) بیش تر است و یا زیارت خانه خدا. یکی از ادله کسانی که می گویند: زیارت سیدالشهدا مهم تر است، روایاتی است که با وجود ترس، زیارت سیدالشهدا (ع) را هم چنان مورد تأکید قرار می دهند. صاحب وسائل الشیعه بابی را در این باره، با نام «استحباب زیارة الحسین و الائمة فی حال الخوف و الامن» گشوده و در آن چهار روایت را نقل کرده است؛ از جمله: «عن زرارة قال: قلت لابی جعفر (ع): ما تقول فی من زار اباک علی خوف؟ قال: یؤمنه الله

یوم الفزع الاکبر و تلقاه الملائکة بالبشارة و یقال له: لاتخف و لاتحزن هذا یومک الذی فیه فوزک»؛ [۸۹]. یعنی زراره می گوید: به امام باقر (ع) عرض کردم: چه می فرماید در باره شخصی که با ترس، پدیرت را زیارت کرده است؟ حضرت فرمود: روز قیامت او را در امنیت قرار می دهد و ملائک را ملاقات می کند در حالی که به او می گویند: ترس و ناراحت نباش، این روز، روز پیروزی تو است. ایشان افزون بر آن چه در این باب وارد شده است، باب دیگری را با نام «استحباب اختیار زیارة الحسین علی الحج و العمرة المندوبین» [۹۰] گشوده و ۲۳ روایت را در آن نقل کرده است. و نیز در کتاب جامع احادیث الشیعه، مؤلف عنوان بابی را «استحباب زیارة الحسین (ع) ولو فی حال الخوف و ثواب من قتل عنده او حبس فی اتیانه او ضرب او مات» [۹۱] قرار داده و بیش از پنج روایت را در آن جای داده است. بنابراین می توان گفت که زیارت سیدالشهدا (ع) بر حج و عمره مستحبی ترجیح دارد.

استحباب غسل زیارت

صاحب عروة الوثقی یکی از غسل های مستحب را هنگام سفر برای زیارت سیدالشهدا (ع) می داند. ایشان پس از تقسیم اغسال مستحب می فرماید: سیزدهم غسل برای سفر، به ویژه زیارت امام حسین علیه السلام. از سوی صاحبان حاشیه بر عروة، بر این مسأله، حاشیه ای زده نشده است. شارح، محقق شیخ محمد تقی آملی، در تبیین و استدلال بر این مطلب می نویسد: «دلالت می کند بر استحباب غسل برای مسافر زیارت امام حسین، خبر ابی بصیر عن الصادق: اذا اردت الخروج الی ابی عبدالله (ع) فصم قبل ان تخرج ثلاثة ايام یوم الاربعاء و یوم الخمیس و یوم الجمعة فاذا امسیت لیلة الجمعة فصل صلوٰة اللیل ثم قم فانظر فی نواحی السماء فاغتسل تلک اللیلة قبل المغرب ثم تنام علی طهر فاذا اردت المشی الیه فاغتسل»؛ [۹۲]. یعنی هرگاه خواستی برای زیارت اباعبدالله (ع) حرکت کنی، سه روز چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه را روزه بدار و چون شب جمعه فرا رسید، نماز شب را بخوان. سپس حرکت کن و به اطراف آسمان نگاه کن. سپس غسل شب جمعه را قبل از مغرب انجام ده سپس با طهارت بخواب. بعد از بیدار شدن، هرگاه خواستی برای زیارت بروی، غسل کن.

احکام دیگر زیارت سیدالشهدا

در باره زیارت امام حسین (ع) افزون بر آن چه گذشت، روایات فراوانی با عناوینی متفاوت، رسیده است که طبق آن ها و بر اساس احادیث «من بلغ» فقها فتوا به استحباب داده اند و بسیاری از محدثان، از جمله، شیخ حر عاملی عنوان بابی را که برای این احادیث برگزیده، عنوان استحباب است و از آن جا که نقل دست کم یک روایت از هر یک از این مجموعه، از حوصله این نوشته خارج است، برای اطلاع، به بیان عنوان ابواب بسنده می شود: [۹۳]. ۱. باب استحباب زیارة النساء یک حدیث ۲. باب استحباب تکرار زیارة الحسین (پنج حدیث). ۳. باب استحباب المشی الی زیارة الحسین (شش حدیث). ۴. باب الاستنابة فی زیارة الحسین (یک حدیث). ۵. باب استحباب اختیار زیارة الحسین علی الحج (۲۳ حدیث). ۶. باب استحباب اختیار زیارة الحسین (دو حدیث). ۷. باب استحباب زیارة الحسین ولو ركب البحر (دو حدیث). ۸. باب تأکد زیارة الحسین لیلة عرفه (پانزده حدیث). ۹. تأکد استحباب زیارة الحسین فی اول رجب. ۱۰. باب تأکد استحباب زیارة الحسین فی النصف من شعبان (دوازده حدیث). ۱۱. باب ما یستحب فی العمل لیلة النصف من شعبان بکربلا (یک حدیث). ۱۲. باب تأکد استحباب زیارة الحسین لیلة القدر (شش حدیث). ۱۳. باب تأکد استحباب زیارة الحسین لیلة عاشورا (هفت حدیث). ۱۴. باب تأکد استحباب زیارة الحسین یوم الاربعین (سه حدیث). ۱۵. باب تأکد استحباب زیارة الحسین کل لیلة جمعه (دو حدیث). ۱۶. باب استحباب کثرة الانفاق فی زیارة الحسین (پنج حدیث). ۱۷. باب استحباب الغسل لزیارة الحسین (ده حدیث). ۱۸. باب استحباب الدعاء عند غسل الزیارة بالمأثور (یک حدیث). ۱۹. باب استحباب زیارة الحسین بالزیارة المأثوره (یک حدیث). ۲۰. باب استحباب زیارة الحسین حبا لرسول الله. ۲۱. باب استحباب کثرة الصلاة عند قبر الحسین (ده حدیث).

آداب زیارت

زیارت، تشرف به دیدار مزور عنه (امام و یا امام زاده) است. هر دیداری، بر حسب اهمیت، شرایط و آدابی دارد همان گونه که در عرف زمان ما ملاقات و دیدار با بزرگان، با آدابی همراه است، زیارت ائمه (ع) به ویژه سیدالشهدا نیز آدابی دارد. از آن جا که بحث تفصیلی هر یک از این آداب، از موضوع و حوصله این نوشته خارج است، در این جا به بیان اجمالی آن ها بسنده می شود. ۱. غسل پیش از ورود به حرم. ۲. ایستادن بر آستان حرم و خواندن دعا و طلب اذن ورود. ۳. نزدیک ضریح ایستادن، در صورت امکان. ۴. رو به ضریح و پشت به قبله ایستادن، به هنگام خواندن زیارت. ۵. سپس دست به قبر گذاشتن. ۶. بالای سر ایستادن. ۷. خواندن زیارت های مأثور (آن چه از ائمه (ع) رسیده است). ۸. خواندن دو رکعت نماز زیارت. ۹. طلب حاجت پس از نماز. ۱۰. خواندن مقداری قرآن و هدیه کردن ثواب آن به امام. ۱۱. احسان و احترام به خادمان. ۱۲. خواندن دعای وداع، در آخرین زیارت. ۱۳. صدقه دادن. آن چه بیان شد، برخی از آداب زیارت است که رعایت آن ها معنویت زیارت را بیش ترمی کند.

اقسام زیارت سیدالشهداء

درباره اهمیت زیارت امام حسین (ع) همین بس که زیارت های گوناگونی به حسب زمان و مکان، از سوی ائمه (ع) رسیده است. برخی از زیارت ها برای هر زمان و هر مکانی و برای همه امامان است؛ مانند زیارت جامعه. برخی دیگر از زیارت ها ویژه یک امام و در زمان و یا مکان خاص است.

آب

اشاره

واژه «آب» در حادثه عاشورا، نقش آفرین و یادآور صحنه های تلخ و شیرین فراوانی است؛ زیرا با شنیدن لفظ آب، گاهی شنونده به یاد لب تشنه سیدالشهدا (ع) و یاران باوفایش می افتد، گاهی به یاد ایثار و فداکاری قمر بنی هاشم، سقای لشکر، و گاهی به یاد فریاد «العطش» کودکان. از سوی دیگر با شنیدن این کلمه به یاد بزرگواری و جوان مردی امام حسین (ع) در سیراب کردن سپاه تشنه دشمن می افتد. در هر صورت، مسأله آب در فرهنگ عاشورا از جهات گوناگون، یادآور نهایت شقاوت و بی رحمی سپاه دشمن و مظلومیت امام حسین (ع) و یاران باوفایش است. از این رو، آب، موضوع برخی از احکام شرعی شده است؛ مانند استحباب یاد امام حسین (ع) پس از نوشیدن آب، غسل با آب فرات و برداشتن کام نوزاد با آب فرات. بی شک، مهم ترین فلسفه و حکمت این احکام، یادآوری صحنه های گوناگون واقعه عاشورا و حفظ و استمرار آن است.

استحباب یاد حسین به هنگام نوشیدن آب

از جمله مستحبات، یاد امام حسین (ع) و دعا پس از نوشیدن آب است. در این باره، چندین روایت نقل شده است؛ از جمله، امام صادق (ع) به داود رقی می فرماید: «انی ماشربت ماءً بارداً إلی و ذکرْتُ الحسین»؛ [۹۴]. یعنی من هیچ گاه آب سردی را ننوشیدم، مگر این که حسین را یاد کردم. این قولیه بابی را با عنوان «ثواب فی شرب الماء و ذکر الحسین و لعن قاتله» [۹۵] گشوده است و در آن، همین روایت داود رقی را با اندکی اختلاف در مضمون، در آن نقل کرده است: «عن داود الرقی قال کنت عند ابی عبدالله (ع) اذا استسقی الماء... فما من عبد شرب الماء فذكر الحسین (ع) و لعن قاتله الا کتب الله له ماء الف حسنه و حط عنه ماء الف سيئه و رفع

له مائة الف درجة و كانما اعتق مائة الف نسمة...»؛ [۹۶]. یعنی داود رقی می گوید: در محضر امام صادق (ع) بودم، چون آب نوشید... (فرمود) هیچ بنده ای از بندگان خدا نیست که پس از نوشیدن آب، حسین (ع) را یاد و قاتلش را نفرین کند مگر این که خداوند برایش صد هزار حسنه بنویسد و صد هزار بدی را محو سازد و صد هزار درجه به او بدهد و مانند آن باشد که صد هزار بنده را در راه خدا آزاد کرده است. روایات و سیره عملی ائمه، به ویژه امام سجاد (ع) نشان گر اهمیت این مسأله است. در سیره و زندگی امام سجاد (ع) آمده است که آن حضرت، هر گاه نگاهش به آب می افتاد، اشکش جاری می شد و می فرمود: «قتل ابن رسول الله عطشاناً»؛ [۹۷] یعنی فرزند رسول خدا تشنه کشته شد. و یا هر گاه قصابی را می دید که می خواهد گوسفندی را ذبح کند، می فرمود: «آیا او را آب داده اید؟ او را آب دهید». سپس می فرمود: «پدرم را با لب تشنه شهید کردند». در هر صورت، با توجه به وعده ای که در این روایات داده شده، می توان گفت که یاد امام حسین (ع) پس از نوشیدن آب مستحب است و بی شک از جمله حکمت های این حکم، زنده نگه داشتن نهضت عاشورا است.

برداشتن کام نوزاد با آب فرات

از جمله مستحباتی که در کتاب های فقهی نیز به آن اشاره شده است، برداشتن کام نوزاد با آب فرات است. روایات در این باره فراوان است؛ از جمله: عن ابی بصیر، عن ابی عبدالله (ع) قال: نهران مؤمنان و نهران کافران نهران کافران. نهر بلخ و دجله و المؤمنان نیل مصر و الفرات فحنکوا اولادکم بماء الفرات»؛ [۹۹]. یعنی امام صادق (ع) می فرماید: دو نهر مؤمن و دو نهر کافرند. دو نهر کافر، عبارت از نهر بلخ است و دجله و دو نهر مؤمن، نیل مصر است و فرات. پس کام نوزادان را با آب فرات بردارید. فقها نیز یکی از مستحبات را برداشتن کام نوزادان با آب فرات دانسته اند. محقق حلی می فرماید: «مستحب است کام نوزادان را با آب فرات و تربت سیدالشهدا بردارند». [۱۰۰]. شیخ انصاری نیز همین مطلب را فرموده است. [۱۰۱].

غسل با آب فرات

از مستحبات درباره واقعه عاشورا، غسل با آب فرات است. روایات در این باره نیز فراوان است. صاحب کامل الزیارات بابی را با عنوان «فضل الفرات و شربه و الغسل فیه» [۱۰۲] گشوده و در آن، هفده روایت را نقل کرده است. و نیز علامه مجلسی بابی را با نام «آداب زیارت صلوات الله علیه من الغسل و غیرها» [۱۰۳] گشوده و در آن ۳۸ روایت را نقل کرده است؛ از جمله: «عن صفوان الجمال عن ابی عبدالله (ع) قال: من اغتسل بماء الفرات و زار قبر الحسین (ع) کان کیوم ولدته امه صفرأ فی الذنوب ولو اقرفها کبائر»؛ [۱۰۴] یعنی امام صادق (ع) می فرماید: هر کس با آب فرات، غسل و امام حسین (ع) را زیارت کند، مانند روزی که از مادر متولد شده، از گناهان پاک خواهد شد هر چند گناهان کبیره در میان آن ها باشد. فقها نیز فتوا به استحباب این غسل داده اند؛ از جمله، شیخ به نقل از علامه مجلسی، در مقام جمع روایات گفته است: «روایاتی که دلالت دارد بر این که زیارت امام حسین غسل ندارد، مقصود غسل واجب است و الا این غسل، غسل مستحب است و دارای فضیلت بسیاری نیز هست». [۱۰۵].

استحباب لعن قاتلان امام حسین پس از نوشیدن آب

اسلام دین تولی و تبری است. در برابر محبت و دوستی باخاندان پیامبر (ص) و امام حسین (ع) مسأله برائت و بی زاری از دشمنان و قاتلان آن حضرت قرار دارد. لعنت، اوج تنفر و انزجار از باطل و ستم و چهره های زشت و پلید است. لعنت نشان گر بی تفاوت بودن در برابر جنایت کاران است. لعنت یعنی بغض و کینه مقدس، برای حرکت در مسیر مبارزه با ظالمان. اهمیت لعن و نفرین قاتلان امام حسین (ع) تا آن جا است که در بسیاری از زیارات ها و ادعیه، تقرب به ائمه و سیدالشهدا (ع) با محبت آنان در کنار

برائت و نفرت از دشمنان آنان ذکر شده است؛ از جمله، در زیارت عاشورا آمده است: «یا ابا عبدالله! انی اتقرب الی الله و الی رسوله و الی امیر المؤمنین و الی فاطمه و الی الحسن و الیک بموالاتک و بالبرائة ممن اسس اساس ذلک». [۱۰۶]. در روایات بسیاری بر لعن قاتلان امام حسین (ع) تأکید شده و برای آن، اجر و پاداش تعیین گردیده است؛ از جمله: «ما من عبد شرب الماء فذكر الحسين و لعن قاتله الا كتب الله له ماء حسنة...»؛ [۱۰۷]. یعنی هر بنده خدا که به هنگام نوشیدن آب، از حسین یاد و بر قاتلانش لعنت کند، خداوند صد حسنه برایش می نویسد. در روایت ریان نیز آمده است: «عن الرضا (ع) فی حدیث... یا ابن شیب! ان سرک ان تسکن الغرف المبنیة فی الجنة مع النبی (ص) فالعن قتله الحسین»؛ [۱۰۸]. ریان! پسر شیب از امام رضا (ع) در حدیثی طولانی نقل می کند که فرمود: ای پسر شیب! اگر سکنا گزیدن در غرفه های ساخته شده در بهشت، در جوار رسول خدا تو را خوشحال می کند، پس قاتلان امام حسین و جنگجویان با آن حضرت را نفرین کن. در هر صورت، برائت و بی زاری از دشمنان امام حسین (ع) در هر حالی، به ویژه پس از نوشیدن آب، بر اساس این روایات از جمله مستحبات مسلم در فقه شیعه است و این فرهنگ، در جان و روان مردم رسوخ کرده است. بی شک، مهم ترین اثر و حکمت این حکم شرعی، تداوم نهضت کربلا و احیای آن حرکت است.

نوشیدن از آب فرات

از واژه های پر معنا، کلمه «فرات» است. شیعیان با شنیدن کلمه فرات صحنه های بسیار حزن آوری به ذهنشان خطور می کند. از ائمه اطهار علیهم السلام نیز روایات فراوانی در باره اهمیت و فضیلت رود فرات نقل شده است. صاحب کامل الزیارات بابی را با عنوان «فضل الفرات و شربه و الغسل فیه» گشوده و در آن هفده روایت را در این باره نقل کرده است؛ از جمله: «عن ابی الجارود، عن ابی جعفر علیه السلام قال: لوان بیننا و بین الفرات کذا و کذا میلاً لذهبنا الیه و استشفینا به»؛ [۹۸]. یعنی امام باقر (ع) می فرماید: اگر میان ما و آب فرات، فاصله زیادی نیز باشد، هر آینه به آن جا می رویم و با آب فرات، طلب شفا می کنیم. همان گونه که بیان شد، روایات در این باره فراوان است. بی گمان، ارزش دادن و اهتمام ائمه اطهار (ع) به فرات، بعد سیاسی داشته است و آنان با ترغیب و تشویق به توجه آب فرات، خواسته اند خاطرات فرات و ستم هایی که در سرزمین کربلا به اهل بیت شده است رازنده نگه دارند.

باورقی

- [۱] گاندی رهبر نهضت استقلال هند است. این جمله او معروف است: «من در انقلاب هند، به حسین بن علی اقتدا کرده ام».
- [۲] اشاره است به جمله معروف «الاسلام محمدی الحدوث و حسینی البقاء».
- [۳] وسائل الشیعه، ج ۱، ابواب مقدمه العبادات، ص ۶۰، ح ۳.
- [۴] همان، ص ۶۰. در جامع احادیث الشیعه، ج ۱ نیز بابی هست با عنوان «ان من بلغه ثواب فی الله تعالی علی عمل فصنعه کان له اجره و ان لم یکن کما بلغه»، که در آن، نه حدیث نقل شده است.
- [۵] شیخ انصاری، رسائل فقهیه، قاعده التسامح، ص ۱۴۲.
- [۶] همان، ص ۱۴۲.
- [۷] همان، ص ۱۳۷.
- [۸] شهید اول، ذکری الشیعه، ج ۱، ص ۳۴.
- [۹] شهید ثانی، الرعاية فی علم الدراية، ج ۱، ص ۹۴.
- [۱۰] شیخ بهائی، الوجیزه، ص ۱۴.
- [۱۱] رسائل فقهیه، ص ۱۴۹.

- [۱۲] كفاية الاصول، ج ۱، تنبيه دوم، اصالة البرائه.
- [۱۳] محقق نائینی، فواید الاصول، ج ۳ - ۴، ص ۱۵۰.
- [۱۴] محقق اصفهانی، نهاية الدرايه، ج ۴، ص ۱۸۳.
- [۱۵] رساله تسامح در ادله سنن، شيخ انصاری.
- [۱۶] جامع احاديث الشيعة، باب ۸۱ از ابواب زيارة النبي، ج ۱۵، ص ۲۲۳.
- [۱۷] همان، ج ۱.
- [۱۸] عروة الوثقى، ج ۱، ص ۹۰، مسأله ۲۵ فی احكام النبي.
- [۱۹] همان، ج ۱۴، باب ۷۰ از ابواب المزار و ما يناسبه، ح ۸ و نیز ر.ك: كامل الزيارات، ص ۲۷۸؛ تهذيب، ج ۶، ص ۷۴، ح ۱۴۳.
- [۲۰] همان، ج ۱۴، ص ۵۲۱.
- [۲۱] شرائع الاسلام، ج ۲، ص ۳۴۳.
- [۲۲] كتاب نكاح، احكام اولاد.
- [۲۳] وسائل الشيعة، ج ۳ و باب ۱۶ از ابواب ما يسجد عليه، ص ۶۰۷.
- [۲۴] عروة الوثقى، ج ۱، ص ۵۹۲، مسأله ۲۶، فی مسجد الحبه.
- [۲۵] جامع احاديث الشيعة، ج ۱۵، باب ۸۰، ص ۴۲۱.
- [۲۶] همان، ص ۴۲۲؛ ر.ك: وسائل الشيعة، ج ۳، باب ۶ از ابواب ما يسجد عليه، ح ۱، ص ۶۰۷.
- [۲۷] جواهر الكلام، ج ۱۰، ص ۴۰۴.
- [۲۸] جامع احاديث الشيعة، ج ۱۵، باب ۷۶، ص ۳۹۹.
- [۲۹] همان، ح ۴، ص ۴۰۲.
- [۳۰] «فلا يحل شئ منه عدا تربة الحسين عليه السلام فانه يجوز الاستشفاء به» (محقق حلی، شرائع الاسلام، در ضمن جواهر الكلام، ج ۳۶، ص ۳۵۸).
- [۳۱] همان.
- [۳۲] تحرير الوسيله، ج ۲، ص ۱۴۷، كتاب اطعمه و اشربه، مسأله ۹.
- [۳۳] عروة الوثقى، ج ۱، ص ۴۱۵، مسأله ۹ فی الحنوط.
- [۳۴] عروة الوثقى، ح ۱، ص ۴۱۲. مستحبات الكفن.
- [۳۵] شيخ طوسی، مصباح المتعبد و سلاح المتعبد، ص ۷۱۳.
- [۳۶] جواهر الكلام، ج ۳۶، ص ۳۶۸.
- [۳۷] همان، ج ۳، باب ۱۳ از ابواب كتاب الصلاة، ج ۱، ص ۱۱۴.
- [۳۸] ملا احمد نراقی، مستند الشيعة، ج ۱۵، ص ۱۶۴.
- [۳۹] جواهر الكلام، ج ۳۶، ص ۳۶۸.
- [۴۰] مفاتيح الجنان، آداب روز عيد فطر، ص ۳۴۴.
- [۴۱] جامع احاديث الشيعة، ج ۱۵، باب ۷۸ از ابواب زيارة النبي، ج ۱، ص ۴۱۴.
- [۴۲] جواهر الكلام، ج ۱۸، كتاب الحج فيما يستحب استصحابه به فی السفر، ص ۱۶۳.
- [۴۳] جامع احاديث الشيعة، ج ۱۵، باب ۷۶ از ابواب زيارة النبي، ج ۲، ص ۴۰۰.

[۴۴] عروۃ الوثقی، ج ۱، ص ۴۶۳، فی الاغسال المکانیة و الفعلیه.

[۴۵] شیخ محمد تقی آملی، مصباح الهدی، ج ۷، ص ۱۰۸.

[۴۶] شرائع الاسلام، ج ۲، ص ۱۶.

[۴۷] جواهر الکلام، ج ۲۲، ص ۳۳۸.

[۴۸] عروۃ الوثقی، ج ۲، مسأله ۱۱ از احکام صلاة المسافر.

[۴۹] مستمسک العروۃ، ج ۸، ص ۱۶۳.

[۵۰] در بحار الانوار بابی با عنوان «الحایر و فضله و مقدار ما یؤخذ من التربة» هست (ج ۹۸، ص ۱۰۶).

[۵۱] تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۱۴۵، مسأله ۱۱.

[۵۲] تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۱۴۵، مسأله ۱۱.

[۵۳] تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۱۴۵، مسأله ۱۱.

[۵۴] امام صادق (ع) به فضیل می فرماید: «ان تلك المجالس احبها فاحیوا امرنا رحم الله من احیا امرنا. یا فضیل! من ذکرنا عنده

فخرج من عینه مثل جناح الذباب غفر الله له ذنوبه» قرب الاسناد، ص ۱۸؛ وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۳۹۲).

[۵۵] صحیفه نور، ج ۸، ص ۶۹.

[۵۶] شیخ صدوق، اکمال الدین، ص ۳۵.

[۵۷] علامه امینی، سیرتنا و سنتنا، ص ۴۰.

[۵۸] همان، ص ۳۲.

[۵۹] همان، ص ۱۲۰.

[۶۰] انطون بارا، الحسین فی الفكر المسيحي، ص ۷۲.

[۶۱] سید عبدالحسین شرف الدین، فلسفه شهادت و عزاداری حسین بن علی، ص ۹۲.

[۶۲] همان، ص ۱۰۲.

[۶۳] محمد قمی، سفینه البحار.

[۶۴] مفاتیح الجنان، آداب روز عاشورا، ص ۵۲۴ و ۸۳۰.

[۶۵] همان، باب ۶۳؛ نیز ر.ک: کافی، ج ۴، ص ۵۷۵، ح ۲؛ تهذیب، ج ۶، ص ۵۴، ح ۱۳۱، ۱۰۳، ۱۸۰؛ کامل الزیارات ص ۱۹۷.

[۶۶] بحار الانوار، ج ۴۴، باب ۳۴، ح ۱۵، ص ۲۸۲.

[۶۷] زیارت اول امام حسین (ع).

[۶۸] زیارت ششم امام حسین (ع).

[۶۹] کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا.

[۷۰] بحار الانوار، باب ۳۷؛ از ابواب المزار و ما یناسبه، ح ۱۸، ص ۴۱۷. نیز ر.ک: شیخ صدوق، امالی، ص ۱۱۲، ح ۵؛ عیون اخبار

الرضا، ح ۱، ص ۲۹۹، ح ۵؛ وسائل الشیعه، ج ۱۴، باب ۶۶، ح ۵.

[۷۱] صحیفه نور، ج ۱۰، ص ۳۱.

[۷۲] همان، ج ۱۰، ص ۳۱.

[۷۳] «یا بن شیب! ان كنت باکیاً لشیء فابک للحسین بن علی بن ابی طالب فانه ذبح كما یذبح الكبش» (بحار الانوار، ج ۴۴، ص

- [۷۴] وسائل الشیعه، کتاب الحج، ابواب المزار و یناسبه.
- [۷۵] بحار الانوار، ج ۴۴، باب ۳۴، ص ۲۷۸.
- [۷۶] جامع احادیث الشیعه، ج ۱۵، ص ۴۲۹.
- [۷۷] وسائل الشیعه، ج ۱۴، باب ۶۶، ح ۱، ص ۵۰۰.
- [۷۸] شاهرودی، مستدرک سفینه البحار، ج ۷، ص ۲۳۵.
- [۷۹] بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۸۲.
- [۸۰] از شهید مطهری نوشته ای با نام تحریفات عاشورا منتشر شده که بسیار سودمند است.
- [۸۱] سخنرانی معظم له درباره مراسم عاشورا و مقابله با اعمال خرافی، سال ۱۳۷۳ی.
- [۸۲] سید محسن امین، التنزیه فی اعمال الشیبه، ص ۷.
- [۸۳] وسائل الشیعه، ج ۱۴، باب ۳۷ از ابواب المزار و ما یناسبه، ص ۴۰۹؛ کامل الزیارات، باب «ان زیارة الحسینی فرض و عهد لازم له و لجميع الائمه (ع) علی کل مؤمن و مؤمنه» ص ۲۳۶.
- [۸۴] وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۴۱۳، ح ۸؛ و نیز ر.ک: کامل الزیارات، باب ۴۳، ح ۱، ص ۲۳۶.
- [۸۵] همان، باب ۳۹، ح ۳، ص ۴۳۷؛ و نیز ر.ک: کامل الزیارات، باب ۴۳، ح ۴.
- [۸۶] همان، باب ۳۸، ج ۱، ص ۴۲۸؛ و نیز ر.ک: کامل الزیارات، باب ۴۳، ح ۵، ص ۲۳۷.
- [۸۷] همان، باب ۳۸، ص ۴۳۰، ح ۱۰.۵ و ۱۲.
- [۸۸] محمد تقی مجلسی، روضه المتقین، ج ۵، کتاب الحج، ص ۳۷۶.
- [۸۹] همان، ج ۱۴، باب ۴۷، ص ۴۵۶، ح ۱؛ نیز ر.ک: کامل الزیارات، ص ۱۲۵.
- [۹۰] همان، باب ۴۵، ص ۴۴۵.
- [۹۱] جامع احادیث الشیعه، ج ۱۵، ص ۲۸۲، باب ۵۷.
- [۹۲] مصباح الهدی، ج ۷، ص ۱۰۸.
- [۹۳] وسائل الشیعه، ج ۱۵، ابواب المزار و ما یناسبه، ص ۴۳۵ تا ۴۹۵ و ۵۱۷.
- [۹۴] شیخ صدوق، امالی، ص ۱۲۲.
- [۹۵] کامل زیارت، باب ۳۴، ص ۲۱۲.
- [۹۶] همان، ح ۱.
- [۹۷] لهوف، ص ۲۰۹.
- [۹۸] کامل الزیارات، باب ۱۳، ص ۱۰۶.
- [۹۹] کامل الزیارات، باب ۱۴، ص ۱۱۳، ح ۴.]
- [۱۰۰] شرائع الاسلام، ج ۲، ص ۳۴۳.
- [۱۰۱] کتاب نکاح، احکام اولاد.
- [۱۰۲] کامل الزیارات، باب ۱۴، ص ۱۱۳.
- [۱۰۳] بحار الانوار، ج ۹۸، باب ۱۷ از آداب زیارته صلوات الله علیه.
- [۱۰۴] همان، ح ۱۴.
- [۱۰۵] همان، ص ۱۴۵.

[۱۰۶] زیارت عاشورا.

[۱۰۷] کامل الزیارات، باب ۳۴، ص ۲۱۲.

[۱۰۸] همان، باب ۳۷، ح ۸ از ابواب المزار و ما یناسبه؛ و ح ۵ از باب ۶۶؛ نیز ر.ک: شیخ صدوق، امالی، ص ۱۱۲، ح ۵؛ و عیون اخبار الرضا، ح ۱، ص ۲۹۹، ح ۵۸.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

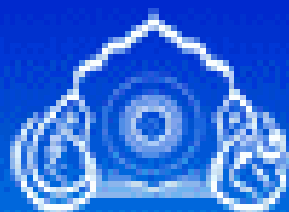
ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی

دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

